

گزیده‌ای از آثار مبارکۀ

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء، حضرت ولی امرالله

درباره

تأسيس بيت العدل اعظم الهی

دارالتحقيق بين المللی

ترجمه: ف - الف

فهرست

- ۱- آثار حضرت بهاء الله
- ۲- آثار حضرت عبدالبهاء
- ۳- بیانات شفاهی حضرت عبدالبهاء
- ۴- آثار حضرت ولی امرالله
- ۵- گزیده‌ای از قانون اساسی بیت العدل اعظم
- ۶- دستخط‌های بیت العدل اعظم

## الف - آثار مبارکه حضرت بهاء الله

۱- قد رجعت الاوقاف المختصة للخيرات الى الله مظهر الآيات \* ليس لاحد أن يتصرف فيها الا بعد اذن مطلع الوحي و من بعده يرجع الحكم الى الاغصان و من بعدهم الى بيت العدل إن تحقق أمره في البلاد ليصرفوها في البقاع المرتفعة في هذا الامر و فيما أمروا به من لدن مقتدر قدير \* والا ترجع الى أهل البهاء الذين لا يتكلمون الا بعد اذنه و لا يحكمون الا بما حكم الله في هذا اللوح اولئك اولياء النصيرين السموات و الارضين ليصرفوها فيما حُدد في الكتاب من لدن عزيز كريم. (كتاب اقدس، بند ۴۲)

۲- يا رجال العدل كونوا رعاة اغنام الله في مملكته و احفظوهم عن الذئاب الذين ظهروا بالاثواب كما تحفظون أبناءكم كذلك ينصحكم الناصح الامين. (كتاب اقدس، بند ۵۲)

۳- امور ملت معلق است برجال بيت عدل الهی \* ايشانند امناء الله بين عباده و مطالع الامر في بلاده \* يا حزب الله مرئي عالم عدل است، چه که دارای دو رکن است، مجازات و مکافات و این دو رکن دو چشمه اند از برای حیات اهل عالم؛ چون که هر روز را امری و هر حین را حکمی مقتضی، لذا امور به وزرای بيت عدل راجع تا آنچه را که مصلحت و وقت دانند معمول دارند \* نفوسی که لوجه الله بر خدمت امر قیام نمایند ایشان ملهمند بالهامات غیبی الهی؛ بر کل اطاعت لازم. امور سیاسیه کل راجع است به بيت العدل و عبادات بما أنزله الله في الكتاب. (بشارت سیزدهم از لوح بشارت، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۱۲۲) (۱)

۴- آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده باید امنای بيت عدل مشورت نمایند آنچه را پسندیدند مجری دارند إِنَّهُ يُلْهِمُهُمْ مَا يَشَاءُ وَ هُوَ الْمُدَبِّرُ الْعَلِيمُ (ورق هشتم از فردوس اعلی، مجموعه اشراقات، ص ۱۲۳)

۵- رجال بيت عدل را وصیت می نمائیم و بصیانت و حفظ عباد و اماء و اطفال امر می فرمائیم. باید در جمیع احوال به مصالح عباد ناظر باشند. طوبی' لأمیرٍ أخذ يد الأسیر و لغنی توجّه الى الفقير و لعادلٍ أخذ حقّ المظلوم و لأمینٍ عمل ما أمر به من لدن أمرٍ قدیم. (ورق نهم از فردوس اعلی، مجموعه اشراقات، ص ۱۲۴)

۶- اول باید وزرای بيت عدل صلح اکبر را اجرا نمایند تا عالم از مصاریف باهظه فارغ و آزاد شود \* این فقره لازم و واجب چه که محاربه و مجادله اسّ زحمت و مشقت است. (لوح دنیا، مجموعه الواح مبارکه طبع مصر، ص ۲۹۲)

۷- در اصول احکام که از قبل در کتاب اقدس و سائر الواح نازل امور راجع بسلاطین و رؤسای عادل و امنای بيت عدل شده و منصفین و متبصرین بعد از تفکر اشراق نیر عدل رابعین ظاهر و باطن در آنچه ذکر شده مشاهده نمایند. (لوح دنیا، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۹۶)

۸- محض فضل و رحمت، مخصوص امرا و وزرای ارض مرقوم داشتیم آنچه را که سبب حفظ و حراست و امن و امان است که

۱- عین این بیان در اشراق هشتم از لوح اشراقات آمده با این تفاوت که در عبارت "لذا امور به وزرات بيت عدل راجع"، کلمه "وزرا" حذف شده است - م

شاید عباد از شرّ ظالمین محفوظ مانند اِنَّهُ هُوَ الْحَافِظُ النَّاصِرُ الْأَمِين. رجال بیت عدل الهی باید در لیالی و ایّام بآنچه از سماء قلم اعلی در تربیت عباد و تعمیر بلاد و حفظ نفوس و صیانت ناموس اشراق نموده ناظر باشند. (لوح اشراقات، مجموعه اشراقات، ص ۷۶)

۹- دین الله و مذهب الله محض اتحاد و اتفاق اهل عالم از سماء مشیت مالک قدم نازل گشته و ظاهر شده آن را علت اختلاف و نفاق مکنید. سبب اعظم و علت کبری از برای ظهور و اشراق نیر اتحاد دین الهی و شریعه ربّانی بوده و نمو عالم و تربیت امم و اطمینان عباد و راحت من فی البلاد از اصول و احکام الهی. اوست سبب اعظم از برای این عطیه کبری؛ کأس زندگانی بخشد و حیات باقیه عطا فرماید و نعمت سرمدیه مبذول دارد. رؤسای ارض مخصوص امنای بیت عدل الهی در صیانت این مقام و علو و حفظ آن جهد بلیغ مبذول دارند و همچنین آنچه لازم است تفحص در احوال رعیت و اطلاع بر اعمال و امور هر حزبی از احزاب. از مظاهر قدرت الهی یعنی ملوک و رؤسای طلبم که همت نمایند شاید اختلاف از میان برخیزد و آفاق بنور اتفاق منور شود. (اشراق نهم از لوح اشراقات، مجموعه اشراقات، ص ۸۰)

## ب - آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء

۱۰- ... زیرا عبدالبهاء در طوفان خطر است و از خوف اختلاف آراء در نهایت حذر ... الحمد لله اسباب اختلافی نه. حضرت اعلی صبح حقیقت روشن و تابنده بر جمیع ارجاء و مبشر نیر اعظم ابهی؛ و جمال مبارک موعود جمیع کتب و صحف و زیر و الواح و ظهور مجلی طور در سدره سینا؛ و ماعدا کلّ بنده آن آستانیم و احقر پاسبان ... مقصود اینست که قبل از آلف کسی سزاوار تکلم به حرفی نیست ولو مقام ولایت باشد. کتاب اقدس مرجع جمیع امم و احکام الهی در آن مصرّح. احکام غیر مذکوره راجع بقرار بیت العدل. دیگر اسباب اختلافی نه ... زنهار زنهار مگذارید نفسی رخنه کند و القاء فتنه نماید. اگر اختلاف آرائی حاصل گردد بیت عدل اعظم فوراً حلّ مشکل فرماید و اکثریت آراء آنچه بیان کند صرف حقیقت است، زیرا بیت عدل اعظم در تحت حمایت و عصمت و عفت سلطان احدیت است و او را صیانت از خطا فرماید و در ظلّ جناح عفت و عصمت خویش محافظه نماید. هر کس مخالفت کند مردود گردد و عاقبت مقهور شود.

و بیت عدل اعظم بترتیب و نظامی که در انتخاب مجالس ملّت در اروپا انتخاب میشود انتخاب گردد و چون ممالک مهندی شود بیوت عدل ممالک بیت عدل اعظم را انتخاب نماید. در هر زمان که جمیع احباء در هر دیار و کلّائی تعیین نمایند و آنان نفوسی را انتخاب کنند و آن نفوس هیئت را انتخاب نمایند، آن بیت العدل اعظم است و الاّ تأسیسش مشروط به ایمان جمیع ممالک نه. مثلاً اگر وقت مقتضی بود و فساد نداشت احبّای ایران و کلّائی انتخاب می نمودند و احبّای امریک و هند و سائر جهات نیز و کلّائی انتخاب می نمودند و آنان بیت العدلی انتخاب می نمودند، آن بیت العدل اعظم بود؛ والسلام. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، صص ۵۰۱-۵۰۰)

۱۱- مسائل کلّیه که اساس شریعت است منصوص است ولی متفرّعات راجع به بیت عدل و حکمت این است که زمان بر یک منوال نماند؛ تغیر و تبدل از خصائص و لوازم امکان و زمان و مکان است. لهذا بیت العدل به مقتضای آن اجرا می نماید و همچو ملاحظه نشود که بیت العدل بفکر و رأی خویش قراری دهد. استغفر الله. بیت العدل به الهام و تأیید روح القدس قرار و احکام جاری نماید؛ زیرا تحت وقایت و حمایت و صیانت جمال قدم است و آنچه قرار دهد اتّباعش فرض مسلم و واجب متحمّم است؛

ابداً مفرّی از برای نفسی نه.<sup>(۱)</sup>

قُلْ يَا قَوْمِ إِنَّ بَيْتَ الْعَدْلِ الْأَعْظَمِ تَحْتَ جَنَاحِ رَبِّكُمْ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَى صُونِهِ وَحَمَائِتِهِ وَحِفْظِهِ وَكَلَائِتِهِ لِأَنَّهُ أَمْرُ الْمُؤْمِنِينَ بِطَاعَةِ تِلْكَ الْعُصْبَةِ الطَّيِّبَةِ الطَّاهِرَةِ وَالثَّلَاةِ الْمُقَدَّسَةِ الْقَاهِرَةِ فَسَلْطَنُهَا مُلْكُوتِيَّةٌ رَحْمَانِيَّةٌ وَاحْكَامُهَا الْهَامِيَّةُ رُوحَانِيَّةٌ.

باری مقصد و حکمت ارجاع احکام مدنیّه به بیت عدل اینست و در شریعت فرقان نیز جمیع احکام منصوص نبوده، بلکه عشر عشر معشار منصوص نه؛ اگرچه کلیّه مسائل مهمّه مذکور، ولی البتّه یک کرور احکام غیر مذکور بود و مجرّی میشد. حال استنباط راجع به هیأت بیت العدل است و استنباط و استخراج افراد علما را حکمی نه، مگر آن که در تحت تصدیق بیت العدل در آید و فرق همین است که از استنباط و تصدیق بیت عدل که اعضایش منتخَب و مسلّم عموم ملّت است، اختلاف حاصل نمی‌گردد؛ ولی از استنباط افراد علما حکماً اختلاف شود و باعث تفریق و تشتت و تبعیض گردد و وحدت کلمه و اتّحاد دین الله مضمحل شود و بنیان شریعت الله متزلزل گردد. (رحیق مختم، ج ۱، ص ۳۰۲)

۱۲- خلاصه کلام این است که قبل از اَلْفِ نَفْسِي نَفْسِي نتواند زد؛ باید در سِلْکِ رَعِيَّتِ باشد و خاضع و خاشع اوامر الهی و احکام بیت العدل؛ اگر از حکم بیت العدل عمومی مقدر رأسِ اِبْرَه تجاوز نماید، یا در اطاعت توقّف کند، مردود و مطرود است. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۶۵)

۱۳- و اَمَّا بَيْتُ الْعَدْلِ بِنُصُوصِ قَاطِعَةٍ فِي شَرِيْعَةِ اللَّهِ اخْتَصَّ بِالرِّجَالِ حِكْمَةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ سَيُظْهِرُ هَذِهِ الْحِكْمَةَ كَظْهُورِ الشَّمْسِ فِي رَابِعَةِ النَّهَارِ. (همان مأخذ، ص ۷۷ / من مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۳۰)

۱۴- الحمد لله در امر مبارک جمیع این ابواب (ابواب مخالفت و اختلاف) مسدود است؛ زیرا مرجع منصوص تعیین شده است که آن مرجع منصوص حلال جمیع مشکلات است و دافع جمیع اختلاف و همچنین بیت عدل عمومی دافع جمیع اختلاف است؛ آنچه بیت عدل بگوید قبول و هر نفسی مخالف نماید مردود. ولی هنوز بیت عدل عمومی که شارع است تأسیس نشده است. دیگر راه اختلافی نمانده ولی هواجس نفسانی مورث اختلاف می‌شود مثل ناقضین. ناقضین شبهه‌ئی در میثاق ندارند ولی غرض نفسانی آنان را به این درجه رسانده. نه این است که نمی‌دانند؛ میدانند و مخالفت میکنند. (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۲۱۰ / من مکاتیب عبدالبهاء، ص ۳۴۳)<sup>(۲)</sup>

۱۵- فرع مقدّس و ولیّ امر الله و بیت عدل عمومی که بانتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهم الفداء است. آنچه قرار دهند من عند الله است. مَنْ خَالَفَهُ وَ خَالَفَهُمْ فَقَدْ خَالَفَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ مَنْ عَارَضَهُ فَقَدْ عَارَضَ اللَّهَ وَ مَنْ نَارَعَهُمْ فَقَدْ نَارَعَ اللَّهَ وَ مَنْ جَادَلَهُ فَقَدْ جَادَلَ اللَّهَ وَ مَنْ جَحَدَهُ فَقَدْ جَحَدَ اللَّهَ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ وَ مَنْ أَنْحَازَ وَ أَفْتَرَقَ وَ أَعْتَزَلَ عَنْهُ فَقَدْ أَعْتَزَلَ وَ اجْتَنَبَ وَ ابْتَعَدَ عَنِ اللَّهِ عَلَيْهِ غَضَبُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَهْرُ اللَّهِ وَ عَلَيْهِ نَقْمَةُ اللَّهِ

حسن متین امر الله باطاعت من هو ولیّ امر الله محفوظ و مصون ماند و اعضای بیت عدل و جمیع اغصان و افنان و ایادی امر الله باید کمال اطاعت و تمکین و انقیاد و توجّه و خضوع و خشوع را به ولیّ امر الله داشته باشند. (الروح و صایا، ایام تسعه، ص ۶۷)

۱- این چند سطر از صفحه ۲۳۰ "گلزار تعالیم بهائی" به نقل از جزوه منتشره بیت العدل اعظم نقل شد زیرا با رحیق مختم تفاوت دارد - م

۲- توضیح مترجم: در "من مکاتیب عبدالبهاء" هر دو کلمه "منصوص" به صورت "مخصوص" آمده است که احتمالاً اشتباه چاپی است.

۱۶- اما بیت عدل اَلَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ مَصْدَرَ كُلِّ خَيْرٍ وَمَصُونًا مِنْ كُلِّ خَطَاٍ باید بانتخاب عمومی یعنی نفوس مؤمنه تشکیل شود و اعضاء باید مظاهر تقوای الهی و مطالع علم و دانائی و ثابت بر دین الهی و خیرخواه جمیع نوع انسانی باشند؛ و مقصد، بیت عدل عمومی است؛ یعنی در جمیع بلاد بیت عدل خصوصی تشکیل شود و آن بیوت عدل بیت عدل عمومی انتخاب نماید. این مجمع مرجع کل امور است و مؤسس قوانین و احکامی که در نصوص الهی موجود نه و جمیع مسائل مشکله در این مجلس حل گردد و ولی امرالله رئیس مقدس این مجلس و عضو اعظم ممتاز لاینعزل؛ و اگر در اجتماعات بالذات حاضر نشود، نائب و وکیلی تعیین فرماید و اگر چنانچه عضوی از اعضاء گناهی ارتکاب نماید که در حق عموم ضرری حاصل شود، ولی امرالله صلاحیت اخراج او دارد و بعد ملت شخص دیگر انتخاب نماید. این بیت عدل مصدر تشریح است و حکومت قوه تنفیذ؛ تشریح باید مؤید تنفیذ گردد و تنفیذ باید ظهیر و معین تشریح شود تا از ارتباط و التیام این دو قوت بنیان عدل و انصاف متین و رزین گردد و اقالیم جنه النعمیم و بهشت برین شود. (همان مأخذ، ص ۴۷۰)

۱۷- اساس عقائد اهل بهاء روحی هُمُ الْفَدَاءِ: حضرت ربّ اعلی مظهر وحدانیت و فردانیت الهیه و مبشر جمال قدم، حضرت جمال ابهی روحی لاحبائه الثابتین فداء مظهر کلیه الهیه و مطلع حقیقت مقدسه ربّانیه و مادون کُلّ عباد لهُ و کُلّ بأمره یعملون. مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیرمنصوصه راجع به بیت عدل عمومی و بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا باکثریت آراء تحقق یابد، همان حق و مرادالله است؛ مَنْ تَجَاوَزَ عَنْهُ فَهُوَ يَمِّنُ احبّ الشقاق و أظهر التفاق و أعرَضَ عن ربّ الميثاق؛ ولی مراد بیت عدل عمومی است که از طرف جمیع بلاد انتخاب شود یعنی شرق و غرب، احبّاء که موجودند بقاعده انتخاب مصطلحه در بلاد غرب، نظیر انگلیس، اعضائی انتخاب نمایند و آن اعضاء در محلی اجتماع کنند و در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیرمنصوصه مذاکره نمایند و هر چه تقرّر یابد همان مانند نصّ است و چون بیت عدل واضح قوانین غیرمنصوصه از معاملات است، ناسخ آن مسائل نیز تواند بود؛ یعنی بیت عدل الیوم در مسئله قانونی نهد و معمول گردد، ولی بعد از صد سال حال عمومی تغییر کلی حاصل نماید، اختلاف اُزمان حصول یابد، بیت عدل ثانی تواند آن مسئله قانونیه را تبدیل بحسب اقتضای زمان نماید؛ زیرا نصّ صریح الهی نیست؛ واضح بیت عدل، ناسخ نیز بیت عدل. (الواح و صابا، ایام تسعه، ص ۴۷۶)

۱۸- باید کل اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عداهما کُلّ مخالفٍ فی ضلالٍ مبین و عَلَیْكُمْ الْبِهَاءُ الْأَبْهَى. (همان ص ۴۸۴)<sup>(۱)</sup>

۱- برخی بیانات مبارکه که در مجموعه فوق نیامده است:

۱-۱- محفل روحانی نیز باکثریت آراء انتخاب شود و اما تجدید انتخاب و تعیین مدّت راجع به بیت عدل عمومی است که جمیع بهائیان عالم انتخاب کنند، زیرا آنچه نصّ قاطع نه بیت عدل عمومی قرار در آن خواهند داد. حال چون تشکیل بیت عدل عمومی میسر نه، قرار شد که محافل روحانی آمریکا را در مدّت هر پنج سال تجدید انتخاب نمایند. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۲، ص ۳۰۴)

۱-۲ این را بدان که آئین یزدانی بر دو قسم است؛ قسمی تعلق بعالم آب و گل دارد و قسم دیگر تعلق بجهان جان و دل. اساس آئین روحانی لم یبتغیر و لم یتبدل است؛ از آغاز ایجاد تا یوم میعاد و تا ابدالآباد بر یک منوال بوده و هست ... و قسمی از آئین تعلق بجسم دارد. آن به مقتضای هر زمانی و هر موسمی و هر درجه از سن تبدیل و تغییر یابد و در این کور عظیم و دور جدید تقرّعات احکام جسمانی اکثر به بیت عدل راجع؛ چه که این کور را امتداد عظیم است و این دور را فسحت و وسعت و استمرار سرمدی ابدی و چون تبدل و تغیر از خصائص امکان و لزوم ذاتی این جهان است؛ لهذا احکام جزئیة جسمانی باقتضای وقت و حال تعیین و ترتیب خواهد یافت، اما اسس اساس آئین یزدان را تغییر و تبدیلی نبوده و نیست. (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۴۵۵)

## ج - از بیانات شفاهی حضرت مولی‌الوری

۱۹- ماحصل کلام این که عصمت ذاتیه محصور در مظاهر کلیه و عصمت صفاتیّه موهوب هر نفس مقدّسه؛ مثلاً بیت‌العدل عمومی اگر بشرائط لازمه یعنی انتخاب جمیع ملت تشکیل شود آن عدل در تحت عصمت و حمایت حقّ است؛ آنچه منصوص کتاب نه و بیت‌العدل باتّفاق آراء یا اکثریت در آن قراری دهد، آن قرار و حکم محفوظ از خطاست. حال، اعضای بیت‌العدل را فرداً فرد عصمت ذاتی نه و لکن هیأت بیت‌العدل در تحت حمایت و عصمت حقّ است؛ این را عصمت موهوب نامند. (مفاوضات عبدالبهاء، ص ۱۳۰)

۲۰- حضرت بهاء‌الله بیت‌العدل را مقرر و تأسیس فرمودند و وظیفه‌ای سیاسی و دینی به آن محوّل کردند تا اتّحاد را به اعلی درجه رساند و مذهب و سیاست را به هم مزوج سازد. این مشروع تحت صیانت نفس حضرت بهاء‌الله است. یک بیت‌العدل عمومی یا بین‌المللی نیز تشکیل خواهد شد. احکام آن باید منطبق با اوامر و تعالیم حضرت بهاء‌الله باشد و هر آنچه بیت‌العدل مقرر کند جمیع نوع بشر باید اطاعت کنند. این بیت‌العدل بین‌المللی توسط بیوت عدل سراسر عالم منصوب و تشکیل می‌شود و تمام عالم در ظلّ اداره آن در خواهند آمد. (ترجمه خطابه حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۴۵۵ Promulgation of Universal Peace)

## د - گزیده‌ای از توابع و تلگرام‌های حضرت ولی‌امرالله

۲۱- و اما آنچه راجع بترتیب و تمشیت امور روحانیّه احبّ است همانا تقویت اساس محافل مقدّس روحانیست در تمام نقاط؛ چه که بر این اساس محکم متین در مستقبل ایّام بیت‌العدل اعظم الهی استوار و برقرار گردد و چون این بنیان اعظم بر این اساس اقوم مرتفع شود، نوایای مقدّسه الهیه و حکم و معانی کلیّه و رموز و حقائق ملکوتیه که در وصایای مبارکه الهامات غیبی حضرت بهاء‌الله و دیعه گذاشته، بتدریج ظاهر و آشکار گردد و جلوه نماید. (از توفیق ۱۹ دسامبر ۱۹۲۳ خطاب به محفل مقدّس روحانی طهران، منتخبات توفیعات مبارکه، طبع ۱۰۵ بدیع، ص ۴۷)

۲۲- وقتی این محافل، اعمّ از محلی یا ملی، در نهایت انتظام، شور و حرارت در سراسر عالم بهائی تشکیل شود و فعالیت آن مؤثر باشد، تنها وسیله تأسیس بیت‌العدل اعظم تأمین گردد و فراهم آید؛ و زمانی که این معهد اعلی به نحو احسن و انبساط تأسیس گردد، وضعیت کلی را مورد بررسی و امعان نظر مجدد قرار خواهد داد و اصولی را وضع خواهد کرد که، مادام که مصلحت بداند، امور امریه را هدایت خواهد نمود. (ترجمه مکتوب ۱۲ مارس ۱۹۲۳ مندرج در Baha'i Administration، ص ۴۱)

۲۳- مولای محبوب ما در الواح مبارکه وصایا از ما خواسته‌اند که نه تنها بدون هیچ قید و شرطی آن (نظم بدیع جهان‌آرای حضرت بهاء‌الله) را اختیار کنیم، بلکه مزایای آن را برای جمیع اهل عالم مشهود و معلوم سازیم. مساعی ما برای تخمین ارزش کامل و درک اهمّیت دقیق آن در مدّتی چنین کوتاه که از زمان ایجاد آن می‌گذرد، اقدامی بسیار زود هنگام و جسورانه خواهد بود. برای برخوردارگی از درکی واضحتر و کاملتر از شرایط و دلالات آن، باید به زمان و هدایات بیت‌العدل اعظم الهی اعتماد کنیم... (ترجمه توفیق ۲۳ فوریه ۱۹۲۴ مندرج در صفحه ۶۲ Bahá'í Administration)

۲۴- مقصود از تأکيدات متتابعه شديده در تقويت و نصرت محافل روحانيه آن بود که اساس امرالله روز بروز وسيع تر و محکم تر گردد و در نظام الهی خللی وارد نشود و روابطی متین و جدید در بین شرق و غرب ایجاد گردد و وحدت بهائی محفوظ ماند و در انظار اهل عالم جلوه‌ئی بدیع کند تا بر اساس این محافل، بنیان عدل الهی استوار گردد و بر این بیوت عدل خصوصی قصر مشید بیت عدل عمومی از حیث آمال به حیث شهود و عمل قدم نهد و صیتش در کل اکناف و اقالیم مرتفع و مشتهر گردد؛ آن وقت این هیئت مجلله که بر اساس متین و رزین تمام ملت بهائی در شرق و غرب مستند و مؤسس است و از الهامات الهیه مستمد و مستفیض، به وضع و اجرای مشروعاتی متقنه و اقداماتی کلیه و تأسیساتی باهره پردازد و به این واسطه امرالله صیتش جهانگیر و نورش عالم افروز شود. (توقیع مورخ ۱۹۲۴ خطاب به بهائیان شرق و غرب مندرج در صفحه ۱۰ منتخبات توقیعات مبارکه)

۲۵- این محافل روحانيه اولاً محض اجرای این امور تأسیس گشته و ثانیاً مقصد آن تهیه تمهیدات کامله متقنه از برای تأسیس بیت عدل عمومی الهیست که چون آن محور مرکزی اهل بهاء در نهایت جلال و اتقان استوار گردد، دوره جدیدی رخ بگشاید و نعماء و الطاف سماویه از آن منهدر گردد و وعود کلیه جلوه نماید. (توقیع ۱۳۰ اکتبر ۱۹۲۳ خطاب به محفل روحانی طهران، مندرج در صفحه ۶۲ منتخبات توقیعات مبارکه)

۲۶- و اما درباره روشی که برای انتخاب محافل روحانيه ملیه باید اتخاذ نمود، بدیهی است که در متن وصیت نامه مولای محبوب ما هیچ اشاره‌ای به نحوه انتخاب این محافل نشده است. اما در یکی از اولین الواح مبارک خطاب به یکی از احبای ایران بیان صریح زیر مسطور و موجود:

در هر زمان که جمیع احباء در هر دیار وکلای تعیین نمایند و آنان نفوسی را انتخاب کنند و آن نفوس هیئتی را انتخاب نمایند آن بیت العدل اعظم است.<sup>(۱)</sup>

این بیان مبارک به وضوح مشخص می‌سازد که حضرت عبداله‌بهاء برای تشکیل بیت العدل انتخابات سه درجه‌ای را در نظر گرفته‌اند و همانطور که بالصراحه در الواح مبارکه و صایا مذکور، "آن بیوت عدل (خصوصی)<sup>(۲)</sup> بیت عدل عمومی انتخاب نماید،"<sup>(۳)</sup> واضح است که اعضاء محافل روحانی ملی باید به طور غیرمستقیم توسط احباء در ایالات مربوطه خود انتخاب شوند. با توجه به این هدایات تکمیلی، اصلی که در مکتوب مورخ ۱۲ مارس ۱۹۲۳ این عبد تعیین شده مستلزم آن است که احبای الهی در هر یک از ممالک تعداد معینی از وکلاء را انتخاب کنند که آنها نیز به نوبه خود نمایندگان ملی خویش (یعنی بیت عدل خصوصی یا محفل روحانی ملی) را انتخاب خواهند کرد. امتیاز و وظیفه مقدس آنها در زمان معین، انتخاب بیت العدل اعظم الهی خواهد بود. (ترجمه توقیع ۱۲ می ۱۹۲۴ مندرج در صفحه ۸۴ Bahá'í Administration)

۲۷- باید یاد آور شد که در کتاب اقدس، بیت العدل محلی و بیت العدل عمومی تشریح گشته و در الواح و صایا محالفل روحانی ملی بنام بیت العدل خصوصی تسمیه شده است؛ و این محفل روحانی ملی را حضرت عبداله‌بهاء بعنوان حلقه اتصال و هیئت رابط بین بیوت عدل محلی و بیت العدل عمومی بوجود آورده‌اند. علاوه، طریق انتخابات بیوت عدل عمومی و خصوصی نیز در

۱- مکاتیب عبداله‌بهاء، ج ۳، ص ۵۰۱، لوح مبارک خطاب به حضرت علی قبل اکبر، طهران

۲- ایام تسعه، ص ۴۷۰

۳- یعنی محافل ملیه

الواح وصایا و بعضی دیگر از الواح آن حضرت تبیین گردیده است. همچنین حضرت عبدالبهاء مشروعات صندوقهای محلی و ملی را که حال از ملحقات محافل روحانی محلی و ملی است، مکرراً هم در الواح خطاب بیاران شرق و نیز در آثار و بیانات سائره، تأسیس فرمودند. بعلاوه، آن حضرت در الواح متعدده‌اش بکمال وضوح و صراحت مطالبی چند را دربارهٔ تشکیلات بهائی ذکر فرموده است؛ از قبیل سپردن زمام جامعهٔ بهائی بدست ائمهٔ منتخبهٔ محفل، لزوم اطاعت افراد جامعهٔ بهائی از رأی محفل، ترجیح اتفاق آراء بر اکثریت آراء در مصوبات محفل، قاطع بودن رأی اکثریت، لزوم نظارت بر نشریات بهائی. این مطالب همه در الواح متعددی که در اقطار عالم منتشر است صریحاً مذکور است. پس اگر کسی فقط تعالی انسانی و اجتماعی آن حضرت را بپذیرد، ولی از فرائض دیگری که تعیین فرموده چشم پوشد و بآنها اعتنائی ننماید، نسبت به منویات مقدسهٔ آن حضرت خیانت ورزیده است.

حضرت عبدالبهاء مکرراً تأیید فرموده‌اند که محافل روحانی امروز با بیوت عدل آینده هر دو یکی است و تفاوتی با هم ندارند. حتی در لوحی خطاب باعضاء اولین محفل روحانی شیکاگو، یعنی اولین هیئت منتخبهٔ بهائی در آمریکا، آن محفل را بیت‌العدل شهر شیکاگو مخاطب ساخته‌اند و از این طریق با قلم مبارکش ثابت فرموده که محافل روحانی کنونی همان بیوت عدلی هستند که حضرت بهاء‌الله تأسیس فرموده‌اند و بدلائلی مشهود مقتضای حکمت چنان بوده است که هیئت ائمهٔ منتخبهٔ جامعه‌های بهائی در این زمان موقتاً باسم محافل روحانی شهرت یابند. در آینده چون مقاصد و مقام امر بهائی بیشتر مفهوم و شناخته شود، آن هیئت‌ها به اسم اصلی یعنی بیت‌العدل نامیده خواهند شد. اما این محافل روحانی امروز فقط نامشان در آینده تغییر نمی‌یابد، بلکه اختیارات و مسئولیت‌های دیگری نیز که مناسب و مطابق با شناسایی بیشتر امر حضرت بهاء‌الله باشد بر وظائف کنونی آنها افزوده خواهد شد، زیرا در آن زمان آئین بهائی را فقط به عنوان یک نظام دینی نمی‌شناسند، بلکه به صورت دین رسمی یک کشور مستقل در خواهد آمد و چون دین بهائی در جمهور خلائق شرق و غرب نفوذ نماید و حقانیت به قبول اکثریت مردم بعضی از کشورهای مستقل جهان در آید، آن وقت بیت‌العدل اعظم به ذروهٔ قدرت و سلطهٔ خود خواهد رسید و به عنوان اعلیٰ مقام ممالک متحدهٔ بهائی جمیع حقوق و وظائف و مسئولیت‌های متعلق به یک حکومت علیای جهانی را به عهده خواهد گرفت.

در اینجا باید متذکر شد که تأسیس بیت‌العدل اعظم هرگز مشروط بر این نبوده است که اول باید عامهٔ مردم جهان، حتی اکثریت جمعیت یک کشور دین بهائی را بپذیرند. حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح اولیهٔ خویش<sup>(۱)</sup> امکان تشکیل بیت‌العدل اعظم را در زمان حیات خویش بیان داشته‌اند و اگر اوضاع و احوال نامساعد حکومت عثمانی در آن زمان وجود نداشت، حضرت عبدالبهاء احتمالاً قدمهای اولیه را برای تأسیس بیت‌العدل اعظم بر می‌داشتند و حتی اگر محیط مساعدی به وجود می‌آمد که بهائیان ایران و کشورهای همجوار تحت تسلط روسیه می‌توانستند نمایندگان را خود طبق اصولی که حضرت عبدالبهاء معین فرموده‌اند انتخاب نمایند دیگر مانعی در تشکیل بیت‌العدل عمومی در میان نبود. زیرا وظیفهٔ محافل ملیهٔ شرق و غرب است که به موجب الواح وصایا مستقیماً اعضاء بیت‌العدل اعظم را انتخاب نمایند و تا زمانی که اعضاء آن محافل قادر نباشند به عنوان نمایندهٔ کامل بهائیان کشور خود انجام وظیفه نمایند و نیز مادام که در خدمات خویش به هیکل امرالله تجربه و متانت و کمال لازم رانیافته باشند، البته قادر نخواهند بود که بآن وظیفهٔ مقدس مباشرت ورزند و پایه‌ای روحانی را برای تشکیل چنان معهد اعلایی در جهان بهائی تدارک بینند.

و نیز هر یک از اهل بهاء باید بدانند که مؤسسهٔ ولایت امرالله به هیچ وجه اختیاراتی را که حضرت بهاء‌الله در کتاب اقدس و حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا به بیت‌العدل اعظم تفویض فرموده‌اند سلب نمی‌نماید و به هیچ عنوان با مندرجات

الواح وصایا و الواح حضرت بهاء الله تضادّی را به وجود نمی آورد و هرگز دستورات منزله مبارکه اش را باطل نمی سازد؛ بلکه برعکس، مؤسسه ولایت امرالله بر وقر و اعتبار بیت العدل اعظم می افزاید و بدون این که سر مویی به حریم حکومت و وظائفش که در نصوص مبارکه مصرّح گشته تجاوز نماید مقام منیعش را ثبات می بخشد و وحدتش را حفاظت می کند و مجهوداتش را مداومت می دهد. ما هنوز از لحاظ زمانی به این سند عظیم، یعنی الواح وصایا، بسیار نزدیکیم و از ادراک کامل مضامینش و از اطلاع بر اسرار مکنونه اش عاجز و ناتوان. فقط نسلهای آینده می توانند بر قدر و منزلت این شاهکار الهی که دست قدرت مهندس اعظم عالم برای وحدت و نصرت امر جهانگیرش آفریده است فی الجمله وقوف یابند. فقط آیندگانند که قادرند ارزش تأکیدات شگفت انگیزی را که در این سند عظیم بر دو مؤسسه بیت العدل اعظم و مؤسسه ولایت امرالله نهاده شده، دریابند... (توقیع ۲۷ فوریه ۱۹۲۹، نظم جهانی بهائی، ص ۱۰)

۲۸- اعمده محافل مقدسه مرکزی اهل بهاء متدرّجاً بر اسّ اساس متین و رزین محافل محلیه روحانیه در هر کشوری ثابت و استوار گردد و بر این اعمده مجلله قصر مشید بیت العدل اعظم مرتفع و منصوب شود و در قطب امکان سر برافزارد و وحدت جمع اهل بهاء را بر روی زمین، من اقصاها الی اقصاها، محقق و مجسم سازد. احکام منصوصه کتاب مستطاب اقدسش بأحسن ما یمكن فی الإبداع ترویج و تطبیق و تنفیذ یابد و از آن سرچشمه نظم الهی ماء حیوان که کافل حیات ابدیه و دافع شرور و مکاره عوالم ترابیه و شافی اسقام و علل مزمنه است بر تمام اقوام و ملل متباینه متباغضه جهان جاری و ساری گردد؛ سلطه ظاهره اسم اعظم زلزله بارکان ممالک و بلدان اندازد و علمای رسوم از هر فرقه و در هر کشوری بعضی را مرعوب و منتبه و برخی را مخدول و متشتت و مقهور و معدوم سازد...

در این ایام آنچه از الزم لوازم محسوب و تقویت اساس امر الهی و ارتفاع شأن و منزلت آئین آسمانی و ترویج احکام شریعت بهائی بان معلق و مشروط، دو امر خطیر است؛ اول، تسریع در تهیه موجبات تشکیل بیت العدل اعظم الهی؛ و ثانی، اتمام مشروع بناء مشرق الاذکار امریک است. (توقیعات مبارکه، ج ۲، ص ۱۳۰)

۲۹- حینئذ یستقرّ عرش حکومت البهاء فی ارض المیعاد و ینصب میزان العدل و یتموّج علم الاستقلال و ینشقّ حجاب السّتر عن وجه ناموسه الاعظم و تندفق انهر السنن و الاحکام من بقعة المنوره البیضاء بغلبه و هیمنه لم تر شهبها القرون الاولون. اذاً یظهر مصداق ما نُزل من لسان الکبریا بان "یا کرمل بشری صهیون قولى ائی المکنون بسلطان غلب العالم و بنور ساطع به اشرفت الارض و من علیها... یا کرمل طوبی لعبد طاف حولک و ذکر ظهورک و بروزک و ما فزت من فضل الله ربک... سوف تجرى سفینه الله علیک و یظهر اهل البهاء الذین ذکرهم فی کتاب الاسماء"

... بها تستحکم دعائم الامر علی وجه الغبراء، بها تظهر خفیاته و تتجلی آثاره و تتموج رایاته و تسطع أنواره علی الخلائق اجمعین. (همان، ص ۱۳۳)

۳۰- باید دانست که حضرت بهاء الله فقط روحی جدید در کالبد بیجان عالم امکان ندمیده و فقط کلیاتی را از اصول عمومی بیان نموده و فقط فلسفه مخصوصی را عرضه فرموده است. بلکه علاوه بر آنها حضرت بهاء الله و بعد از ایشان حضرت عبدالبهاء یک سلسله قوانینی را وضع و مؤسسات مشخصی را ایجاد کرده و آنچه را که لازمه تأسیس یک مجتمع منظم الهی است بیان فرموده اند و چنین امری در ادیان گذشته هرگز سابقه نداشته است. به عبارت دیگر آن دو نفس مقدس برای تحقق نوایای عالیه ای که موعود انبیای سلف و کانون الهام صاحب دلان و شاعران قرون پیشین بوده تنها به تعیین جهت و مسیر کلی قناعت نورزیده بلکه با بیانی صریح و قاطع دو مؤسسه توأمان بیت العدل و ولایت امرالله را به عنوان جانشینان خویش معین

فرموده‌اند که وظائفشان عبارت است از اجراء اصول و ترویج حدود و محافظه مؤسّسات و تطابق حکایه امرالله با مقتضیات زمان و تحقّق میراث مرغوب خلل‌ناپذیر بانی بنیان امر یزدان در عالم امکان. (نظم جهانی بهائی، ص ۲۵)

۳۱- عند ذلک تتحقّق آمالنا و نثمر شجرة مجهوداتنا و تتمکّن وصایاء محبوبنا و مولانا و تتجلّى خفیّات امر ربّنا و الهنا و تنکشف أمام أعیننا أبصارنا فاتحة عصر لن تر شبهه القرون الأوّلون... (توقیع ۱۳ دسامبر ۱۹۳۲ خطاب به احبّاء و اماء الرحمن ایران، منتخبات توقیعات، ص ۱۱۳)

۳۲- احبّای آمریکا، مبشّرین عصر ذهبی امر مبارک، اکنون در کمال لیاقت و شایستگی جانشین برادران ایرانی خود، که در عصر رسولی امرالله تاج شهادت را از آن خود ساختند، می‌شدند و به نوبه خود نخل نصرت و ظفر را که به سختی حاصل شده بود، در دست داشتند. سابقه بی‌وقفه اقدامات درخشان آنها، بدون ادنی شائبه شکّ و تردیدی، سهم غالب و عمده آنها را در شکل بخشیدن به سرنوشت امرشان ایفا کرده بود. در جهانی که از درد به خود می‌پیچید و به آشفتگی و هرج و مرج سقوط می‌کرد، این جامعه، طلایه قوای آزادی بخش حضرت بهاءالله، در سالهای بعد از صعود حضرت عبدالهباء، توانست تشکیلاتی که اقرانش در شرق و غرب تأسیس کرده بودند به اعلیٰ مراقی و مراتب ارتقاء بخشد و به آنچه که کاملاً رکن رکن بیت آتی را تشکیل میداد، بیتی که اخلاف به عنوان آخرین ملجأ و ملاذ مدنیّتی متزلزل و لرزان تلقی خواهند کرد، برساند. (ترجمه - توقیع منبع آمریکا و صلح اعظم، مندرج در صفحه ۸۹ The World Order of Bahá'u'llah)

۳۳- در الواح حضرت بهاءالله که در آن اساس بیت عدل بین‌المللی و بیوت عدل محلی صریحاً معین و مقرر گشته است در مؤسسه ایادی امرالله که بدو حضرت بهاءالله و سپس حضرت عبدالهباء آن را به وجود آوردند، در اساس محافل روحانی محلی و ملی که حتی قبل از صعود حضرت عبدالهباء در مرحله جنینی خود به ایفای وظیفه مشغول بودند، در اختیاراتی که شارع آئین ما و مرکز میثاق در الواح خود به این محافل عنایت فرموده‌اند در اساس صندوق خیریه محلی که اداره آن بر طبق دستورات مخصوص حضرت عبدالهباء خطاب به پاره‌ای از محافل روحانی در ایران بوده است. در آیات کتاب مستطاب اقدس که در آن تلویحاً به اساس ولایت امر اخبار گشته درباره اصل توارث و تقدّم ولد ارشد که در جمیع شرایع گذشته معمول بوده است و حضرت عبدالهباء در یکی از الواح خود آن را تأیید می‌فرمایند، در جمیع این موارد آثار و علائم اولیه این نظم اداری و جریان آن مشهود است که حضرت عبدالهباء آن را بعداً در الواح وصایای خویش اعلام و برقرار فرمودند. (دور بهائی، ص ۷۹)

۳۴- چون این دو مؤسسه لاینفصم متفقاً به اجرای وظائف پردازند، امور تمشیت پذیرد و اقدامات جامعه مرتبط گردد و مصالح امرالله ترویج یابد و قوانینش تنفیذ شود و تشکیلات تابعه‌اش حمایت گردد؛ هر یک منفرداً در حدود اختیارات معینه و وظائف خود را انجام می‌دهد و دارای تشکیلات فرعی‌ایست که برای اجرای شایسته وظائف و تکالیف آن مقرر گشته است و نیز قدرت و اختیارات و حقوق و امتیازات خود را در حدود مشخصه اعمال می‌نماید و قدرت و اختیارات و حقوق و امتیازات این دو مؤسسه هیچ یک با یکدیگر متناقض نیست و به هیچ وجه از مقام و اهمیت دیگری نمی‌کاهد و گذشته از این که غیرمتجانس و هادم اساس هم نیستند اختیارات و وظائفشان مکمل یکدیگر است و اساساً در مقاصد و نوایا همواره متحدند... چنانچه بیت عدل اعظم که اساساً اهمیّتش از ولایت امر کمتر نیست از آن منتزع گردد نظم بدیع حضرت بهاءالله از جریان باز مانده و دیگر نمی‌تواند حدود و احکام غیرمنصوصه تشریعی و اداری امرالله را که شارع اعظم متعمداً در کتاب

۳۵- از این بیانات کاملاً واضح و روشن است که ولی امر مبین آیات الله و بیت عدل اعظم واضع احکام غیر منصوصه است. تفسیر و تبیین ولایت امر در دایره خویش همانقدر مورد تمکین و انقیاد است که قوانین موضوعه بیت عدل که حقوق و امتیازاتش وضع قوانین و احکام غیر منصوصه حضرت بهاء الله است. هیچیک از این دو نمی تواند به حدود مقدسه دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود.

هیچیک در صدد تزییف سلطه و اختیارات مخصوصه مسلمة دیگری که از طرف خداوند عنایت گشته است بر نخواهد آمد. هر چند ولی امر رئیس لاینعزل این مجلس فخیم است، مع هذا نمی تواند بنفسه حتی بطور موقت واضع قوانین و احکام گردد و یا تصمیمات اکثریت اعضای مجلس را الغاء نماید؛ ولیکن هر گاه تصمیمی را وجداناً مابین باروح آیات منزله تشخیص دهد، باید ابرام و تأکید در تجدید نظر آن نماید. (دورهائی، صفحه ۸۵)

۳۶- نباید به هیچ وجه تصوّر رود که نظم اداری آئین حضرت بهاء الله مبتنی بر اساس ذیقراطی صرف است؛ زیرا شرط اصلی آن نوع حکومت آنست که مسئول ملت باشد و اختیاراتش نیز متکی بر اراده ملت و این شرط در این امر اعظم موجود نیست. باید به خاطر داشت که الواح حضرت بهاء الله بالصراحه حاکی از آنست که اعضای بیت عدل اعظم در تمشیت امور اداری امرالله و وضع قوانین لازمه مکمله کتاب اقدس مسئول منتخبین خود نمی باشند و نباید تحت تأثیر احساسات و آراء عمومیّه و حتی عقائد جمهور مؤمنین و مؤمنات و یا نفوسی که مستقیماً ایشان را انتخاب نموده اند قرار گیرند. بلکه باید همواره در حال توجه و ابتهال به حکم وجدان خویش رفتار نمایند و بر ایشان فرض است که به اوضاع و احوال جاریه هیئت جامعه آشنائی کامل حاصل نمایند و به قضایای مرجوعه بدون شائبه غرض رسیدگی کنند. ولی حق نهائی اخذ تصمیم را برای خویش محفوظ دارند. کلمه مبارکه "إِنَّهُ يُلْهِمُهُمْ مَا يَشَاءُ" اطمینان صریح حضرت بهاء الله باین نفوس است و بنا بر این فقط این نفوس مهابط هدایت و الهامات الهیه اند نه هیئت منتخبین که رأساً و یا به طور غیر مستقیم ایشان را انتخاب می نمایند و این الهام همانا روح حیات و حافظ نهائی این ظهور اعظم است. (دورهائی، ص ۹۱)

۳۷- نخستین شرط از شرایط مذکوره (مبادی اخلاقی و رعایت اصل صحت و صداقت در خدمات اجتماعی و اداری) با آن که مربوط بکافه یاران الهی است ولی در مقام اول متوجه نمایندگان منتخب جامعه اعم از ملی و محلی و ناحیه ای می باشد که در زئ خدام و اعضاء مؤسّسات جدیدالولاده آئین مقدس حضرت بهاء الله و طیفه خطیر و مسئولیت شدیدی در استقرار اساس و بنیان قویم و لایترعزع دیوان عدل الهی بر عهده دارند؛ مرکز عظیم و معهد رفیع المناری که طبق نام و عنوان آن مظهر عدالت رحمانیه و حافظ و حارس معدلت ربّانیه است، عدالت و معدلتی که یگانه عامل استقرار حکومت نظم و قانون و ضامن امن و امان در جهان پرهممه و هیجان است. (ظهور عدل الهی، ص ۴۹)

۳۸- زیرا باید دریافت که نمی توان کما ینبغی و یلیق بر این موضوع تأکید نمود که تقارن محلّ ابدی استقرار رمس حضرت ورقه مبارکه علیا با مراقد متبرکه برادر والا گهر و امّ مقدّسش، به میزانی غیر قابل تصوّر قوای روحانی آن نقطه مبارکه را تقویت خواهد کرد؛ نقطه ای که مقدّر است در ظلّ اجنحه مقام مقدّس اعلی و در مجاورت مشرق الاذکار آینده ای که در جنب آن ساخته خواهد شد، به مرکز مشروعات حیرت انگیز، جهان آراء و هدایت کننده اداری تبدیل شود، که حضرت بهاء الله مقرر، و حضرت عبدالبهاء مشخص و معین فرمودند و باید مطابق و موافق اصول حاکم بر مؤسّسات توأمان ولایت امرالله و

بیت‌العدل اعظم عمل نماید و فعالیت کند. تنها در آن زمان است که این نبوت مهم و خطیر که سطور اخیر لوح مقدس کرمل را مزین و منور فرموده تحقق خواهد یافت: "سوف تجرى سفينة الله عليك و يظهر اهل البهاء الذين ذكرهم في كتاب الاسماء"<sup>(۱)</sup> بذل هر گونه جهدی در تجسم و تصوّر ذرّه‌ای از جلال و شکوهی که باید این مشروعات را احاطه نماید، هر گونه سعی و کوششی در بیان توصیفی موقت و جزئی از ماهیت یا نحوه فعالیت آنها، یا، هر چند به طور نارسا، پیش‌بینی جریان وقایعی که به ارتفاع و تأسیس نهائی آنها منجر خواهد شد، خارج از توانایی و قدرت این عبد است. همینقدر کافی است که گفته شود در این مرحله متلاطم و آشفتۀ تاریخ عالم مقارنت این سه نفس فوق‌العاده مقدس، که بعد از طلعات مقدسه امر مبارک، بالاترین مقام را در میان خیل عظیم ابطال، حروف، شهداء، ایادیان، مبلغین و خادمین امور امریه امر حضرت بهاء‌الله دارا هستند، در مرکز روحانی و اداری بسیار قوی، فی نفسه موجد قوایی خواهد بود که ظهور درخشانترین گوهرهای نظم اداری را که اکنون در بطن این عصر مصیبت‌زده محاط به بلایا در حال تکوین است، در سرزمینی تسریع خواهد نمود که از لحاظ جغرافیایی، روحانی و اداری قلب تمامی کره ارض است. (ترجمه - توفیق مبارک مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۳۹ منتشره در Messages to America: Selected Letters and Cablegrams Addressed to the Bahá'is of North America 1932-1946 صفحات ۳۳-۳۲)

۳۹- در این منشور مدنیت جهانی (کتاب اقدس)، مؤسس و واضع مقدّسش که به اوصاف و القاب "قاضی القضاة" و "شارع اعظم" و "منجی و متحدکننده امم" موسوم و موصوف، نزول "ناموس اکبر" را به ملوک و سلاطین ارض ابلاغ ... می‌فرماید ... در آن سفر کریم مؤسسه عظیم الشان "بیت‌العدل" را انشاء و وظائف مخصوصه آن را تعیین و واردات آن را مشخص و اعضاء آن را به عنوان "رجال العدل" و "وکلاء الله" و "امناء الرحمن" تسمیه می‌فرماید. (قرن بدیع، طبع کانادا، ص ۴۲۸)

۴۰- به موازات این جریان دوگانه تحکیم و تأسیس، باید توجه مخصوص به تمهید وسائل ضروری مبذول داشت که به واسطه آن، می‌توان با تشکیل سه محفل روحانی ملی که در نظر است در زمان معین در انتخابات بین‌المللی مقدّم بر تشکیل اولین بیت‌العدل اعظم مشارکت نمایند، مراکز جدیدالولاده در خطه کانادا و سراسر جواهر آمریکای لاتین را هماهنگ کرد و بیش از پیش تحکیم نمود. ارتفاع این سه رکن که تعداد محافل روحانی ملی را به یازده محفل ارتقاء می‌دهد، و در آتیه ایام به بیوت عدل خصوصی تسمیه خواهند شد، و عالیترین هیأت تشریحیه سلسله مراتب امر مبارک را حمایت و تقویت خواهند نمود، با ظهور و بروز نقشه الهی، با تشکیل هیأت‌های مشابهی اکمال خواهند یافت که با تزایدشان ضروره به توسیع بنیان و تقویت خصیصه جامعیت و فراگیری عالیترین مؤسسه انتخابی خواهند پرداخت؛ مؤسسه‌ای که همراه با مؤسسه ولایت امرالله، باید فعالیت‌های امر جهان‌آراء را هدایت و هماهنگ نماید. با تشکیل این سه محفل روحانی ملی، همانطور که ظهور تدریجی نقشه الهی در سالهای آینده نشان خواهد داد، جامعه بهائی آمریکا، علاوه بر فعالیت‌های تبلیغی‌اش در سراسر قارّات خّمسه و جزایر بحر سبعة، مستقیماً در نهادن اساس و بنیان، و تسریع در شکل‌گیری مؤسسه‌ای مشارکت خواهد نمود که وقتی تشکیل شد، جریان سه‌گانه مربوط به ارتفاع بنای کلی نظم اداری امر حضرت بهاء‌الله را به اوج کمال خواهد رساند. (ترجمه - توفیق ۱۵ جون ۱۹۴۶ مندرج در صفحه ۹۴ Messages to America)

۴۱- اکنون وقت آن رسیده که توأم با اقدامات ششگانه فوق موضوعی که اضطراراً مدّتی به تعویق افتاده بود به مرحله عمل در آید و آن تعیین ایادی امرالله بر طبق نصوص الواح و صایای حضرت عبدالبهاء است که اولین عدّه آنها بالغ بر دوازده نفر

می باشد و به تعداد مساوی از ارض اقدس و قطعات آسیا و آمریکا و اروپا انتخاب شده اند. این اقدامات اولیه مقدمه تحقق مشروعی است که حضرت عبدالبهاء در کتاب وصایا پیش بینی فرموده اند و با تمهیدات اولیه جهت تشکیل هیأت بین المللی بهائی که بعداً به بیت العدل عمومی تبدیل خواهد شد هم دوش و هم عنان است. این مشروع جدیدالتأسیس حلقه اتصال دیگری برای تحکیم روابط دائم الاتساع بین المللی امرالله با جامعه پیروان اسم اعظم در نظم اداری بهائی را هموار می سازد. (نقل ترجمه تلگرام ۲۴ دسامبر ۱۹۵۱ از صفحه ۹۳ "ارکان نظم بدیع"، نشر ثانی)

۴۲- مقصود در این لوح عظیم (لوح کرمل) که فی الحقیقه کاشف اسرار الهیه و بشارت دهنده دو تأسیس عظیم و جلیل و خطیر که یکی روحانی و دیگری اداری در مرکز جهانی آئین بهائی است سفینه ئی است که راکبانش رجال بیت عدل اعظم که بر طبق وصایای متقنه مرکز عهد اتم و اقوم مصدر تشریح احکام غیر منصوصه اند و این احکام در این دور بدیع از این جبل مقدس جریان یابد همچنان که در عهد حضرت کلیم شریعه الله از صهیون جاری و ساری گشت و این جریان سفینه احکام اشاره باستقرار دیوان عدل الهی که فی الحقیقه دارالتشریح است و شعبه ئی از مرکز جهانی اداری بهائیان در این جبل مقدس محسوب... (توقیع نوروز ۱۱۱ بدیع، توقیعات مبارکه ۱۱۴-۱۰۹، ص ۱۷۱)

۴۳- تأسیس این بنیان جلیل (دارالآثار بین المللی) بنفسه مبشر آن است که در طی عهود متوالیه عصر تکوین به ارتفاع ابنیه متعدده دیگری جهت مراکز اداری مشروعات مقدسه منصوصه مانند دارالولایه و مقر هیأت ایادی امرالله و بیت عدل اعظم اقدام خواهد گردید. این ابنیه رفیع به شکل قوس عظیمی با هندسه بدیع و هم آهنگی بی نظیر مرقد حضرت ورقه علیا نفس فرید و ممتاز در بین نساء عالم بهائی و مرقد حضرت غصن اطهر فدیة مقدس حضرت بهاء الله برای احیاء عالم و اتحاد امم و مرقد ام حضرت عبدالبهاء را که از قلم اعلی به خطاب "و جعلک صاحبه له فی کل عالم من عوالمه" مخصص گردیده احاطه خواهد نمود و تکمیل نهائی این ابنیه رفیع و مشروعات عظیمه نشانه آن است که نظم اداری جهانی الهی که در اواخر عهد رسولی آغاز شد به سرحد رشد و کمال خود واصل گردیده است. (نقل ترجمه توقیع ۲۷ نوامبر ۱۹۵۴ از صفحه ۲۳۱ ارکان نظم بدیع)

## ه- گزیده ای از قانون اساسی بیت العدل اعظم

۴۵- حضرت بهاء الله مصدر وحی الهی در این دور افخم و مطلع امر و منشأ عدل و رافع صلح اعظم و بانی نظم بدیع در انجمن بنی آدم و منبع الهام و واضع اساس مدنیت الهیه در عالم و مؤلف قلوب و محیی امم و داور کردگار و شارح امر پروردگار استقرار ملکوت الله را در بسط غبرا اعلان و حدود و احکامش را نازل و اصولش را معین و مؤسساتش را ایجاد فرمود و برای آن که قوای قدسیه منبعته از ظهور اعظمش از مجرای صحیح و در جهت مقصود همچنان سریان و جریان یابد اساس عهد و میثاق متینی را بنیاد نهاد که قوه دافعه اش متابعاً در دوره مرکز میثاق و دوره ولایت امر نیر آفاق ضامن اصالت و کافل وحدت اصلیه امر مبینش بوده و باعث ترقی و تقدم جهانگیر آئین نازنینش گردیده است؛ و حال همان قوه عظیمه میثاق مقاصد جانفزایش را به واسطه اجرائات بیت العدل اعظم استقرار بخشید؛ و بیت العدل اعظم که یکی از دو وصی حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء است مقصد اعلایش آن که قدرت و سیطره الهیه که از مصدر شریعه ربانیه جاری گشته تسلسل و استمرار یابد و وحدت جامعه پیروانش محفوظ گردد و تعالیش از تصرف و انحراف و تصلب و انجهد مبری و مصون ماند.

...

منشأ بیت العدل اعظم و سلطه و اختیار و وظائف و دائره اقداماتش کلّ منبعث از آیات مُنزله حضرت بهاء الله است. این آیات باهرات با تبیینات و توضیحات مرکز میثاق و حضرت ولیّ امرالله که بعد از حضرت عبدالههء یگانه مبین منصوص بیانات مقدسه اند، کلّ مجموعاً مرجع واجب الاطاعه و اسّ اساس بیت العدل اعظم محسوب. مرجعیّت و حاکمیّت مطلقه و قاطعیّت این نصوص مبارکه ثابت و لن یتغیّر خواهد بود تا زمانی که به اراده الهیه مظهر جدیدی در عالم ظاهر شود و در آن یوم زمام امر و حکم در قبضه قدرت او قرار گیرد.

چون بعد از حضرت شوقی افندی جانشینی در مقام ولایت امرالله موجود نه ریاست امرالله با بیت العدل اعظم است که معهد اعلی و مرجع اهل بهاء و بالمآل مسئول حفظ وحدت و تعمیم ترقی و تقدّم امر الهی است... (قانون اساسی بیت العدل اعظم، صفحات ۱-۳)

## و - از دستخط های بیت العدل اعظم

۶۶- مسرور از آنیم که توجه ما را به سؤالاتی جلب نمودید که موجب حیرت و سرگشتگی برخی از احبّاء شده است. احسن و اولی آن که این سؤالات آزادانه و بالصّراحه مطرح گردد تا این که بیان نشود و مکنون در قلوب مؤمنین و باری سنگین بر دل های مخلصین شود. وقتی که اصول اساسیه ظهور حضرت بهاء الله درک شود چنین تردیدها و دودلی هایی به سهولت زائل می شوند. این بدان معنی نیست که گفته شود امر الهی دارای اسرار و رموز نیست. مسلماً رموز وجود دارند، اما از نوعی نیستند که، وقتی اصول اساسیه امر مبارک و حقائق مسلمّه هر وضعیت به وضوح درک شوند، موجب تزلزل ایمان احدی گردند.

سؤالاتی که توسط آحاد احبّاء مطرح می گردد در سه گروه خلاصه می شوند. گروه اوّل متمرکز بر پرسش های زیر است: در حالی که معلوم و مشهود بود که ولی امری وجود نخواهد داشت، چرا مقدمات انتخاب بیت العدل اعظم فراهم گردید؟ آیا زمان برای چنین اقدامی مقتضی و مناسب بود؟ آیا شورای بین المللی بهائی نمی توانست امور را اداره نماید؟ در زمان صعود ولی محبوب امرالله، حضرت شوقی افندی، از قرائن و نیز از شرائط مصرّح در آثار مبارکه، معلوم و واضح بود که انتصاب جانشین منطبق با شرایط مندرج در الواح وصایای حضرت عبدالههء، برای هیکل مبارک میسر نبود. این وضعیت، که حضرت ولی امرالله بدون این که قادر باشند جانشینی برای خویش تعیین فرمایند، صعود کردند، مسأله ای مبهم را ایجاد کرد که در آثار صریحه مبارکه ذکر نشده بود و می بایست به بیت العدل اعظم احاله گردد. یاران الهی باید به روشنی دریابند که قبل از انتخاب بیت العدل اعظم هیچ پیش آگهی وجود نداشت که ولی امری در آینده وجود نخواهد داشت. آحاد احبّاء هر عقیده و باوری ممکن بود داشته باشند، اما علم و آگاهی مسلم در این مورد وجود نداشت. حضرات ایادی امرالله، شورای بین المللی بهائی یا هر یک از سایر هیأت های موجود نمی توانستند در این موضوع بسیار مهم نتیجه گیری و اتخاذ تصمیم نمایند. تنها بیت العدل اعظم از اختیار و اقتدار لازم برای اعلام چنین موضوعی برخوردار بود. این دلیلی اضطراری و مبرم برای دعوت به انتخاب بیت العدل اعظم در اسرع وقت بود.

بعد از صعود حضرت ولی امرالله، امور اداری بین المللی امر مبارک توسط حضرات ایادی امرالله، با وفاداری و موافقت کامل محافل روحانی ملی و آحاد احبّاء صورت می گرفت. این منطبق با تعیین حضرات ایادی توسط حضرت ولی امرالله به عنوان "حراس جامعه جنینی جهانی حضرت بهاء الله" بود.

از همان ابتدای تصدی امور امر الهی، حضرات ایادی متوجه شدند چون قطعیت و یقین به هدایت الهی، آنچنان که به

طور مسلم و تردیدناپذیری برای ولی امر و بیت‌العدل اعظم تضمین شده، نداشتند، تنها مسیر بی‌خطر و امن برای آنها این بود که با قاطعیتی انحراف‌ناپذیر، از هدایات و خط مشی حضرت شوقی افندی تبعیت نمایند. تمامی تاریخ دین هیچ سابقه مشابهی از چنین انضباط نفس شدید، چنین وفاداری مطلق، و چنین ایثار کاملی از سوی رهبران دینانی را، که خود را ناگهان از وجود هدایت ملهم الهی محروم مشاهده می‌کنند، نشان نمی‌دهد. حق‌شناسی و سپاسی را که نوع بشر نسلها، بل اعصار و قرون آینده، به این معدود نفوس محزون و مغموم و در عین حال ثابت‌قدم و شجاع مدیون می‌باشد، خارج از حد احصاء و تقویم است.

حضرت ولی امرالله نقشه‌های صریح، روشن و تفصیلی به عالم بهائی عنایت فرموده بودند که دوره تا رضوان ۱۹۶۳، یعنی تا پایان جهاد روحانی دهساله را در بر می‌گرفت. از آن زمان به بعد، برای جلوگیری از مواجهه امر مبارک با مخاطرات، وجود هدایت الهی بیشتری ضرورت داشت. این دومین دلیل مبرم برای دعوت به انتخاب بیت‌العدل اعظم بود. اشارات حضرت ولی امرالله در توابع مبارکه به این نکته که نقشه‌های دیگری بعد از نقشه دهساله تحت هدایت بیت‌العدل اعظم ارائه خواهد گردید، مقتضی و مناسب بودن زمان را تأیید می‌کند. یکی از این اشارات عبارات زیر است که از توقیع مبارک مورخ ۲۵ فوریه ۱۹۵۱ خطاب به محفل روحانی ملی جزایر بریتانیا استخراج شده است؛ توقیع مزبور در مورد نقشه دو ساله محفل ملی مزبور است که بلافاصله مقدم بر جهاد کبیر اکبر روحانی دهساله بود.

آغاز مشروعات عهد آتی عصر تکوین امر مبارک، که در حیطة و محدوده خود جمیع محافل ملیه فعال در سراسر عالم بهائی را در بر می‌گیرد، بر حصول توفیق در این نقشه، که از نظر ابعاد بی‌سابقه، از لحاظ خصوصیات عدیم‌النظیر، و از لحاظ امکانات و استعداد روحانی وسیع است، باید مبتنی باشد؛ مشروعاتی که فی نفسه عبارت از مقدمه‌ای بر شروع نقشه‌های جهانی است که در مراحل آینده عصر تکوین، بیت‌العدل اعظم بدان مبادرت خواهد ورزید که نماینده وحدت و باعث هماهنگی و توحید مساعی محافل ملی خواهد بود. (ترجمه)

حضرات ایادی، بعد از آن که مدت شش سال اداره امور امر مبارک را در دست داشتند، با ایمان مطلق به آثار مبارکه، احبای الهی را دعوت به انتخاب بیت‌العدل اعظم نمودند، و حتی تا آنجا پیش رفتند که تقاضا کردند به خود ایشان رأی داده نشود. تنها مورد محزن اثر تسلیم شدن فردی به وسوسه‌های قدرت و سلطه‌طلبی عبارت از تلاش اسفانگیز چارلز میسن ریمی برای غصب مقام ولایت امر بود.

گزیده‌های زیر از یکی از الواح حضرت عبدالبهاء به وضوح و با تأکید اصولی را بیان می‌دارد که احبای قبل از الواح مبارکه و صایای حضرت مولی‌الوری و توابع متعدده حضرت ولی امرالله با آن آشنا هستند، و اساس انتخاب بیت‌العدل اعظم را توضیح می‌دهد. این لوح توسط نفس حضرت ولی امرالله در سالهای اولیه قیادت هیکل مبارک، جهت انتشار در بین احباب، به ایران ارسال گردید:

زیرا عبدالبهاء در طوفان خطر است و از خوف اختلاف آراء در نهایت حذر ... الحمدلله اسباب اختلافی نه. حضرت اعلی صبح حقیقت روشن و تابنده بر جمیع ارجاء و مبشر نیر اعظم ابهی و جمال مبارک موعود جمیع کتب و صحف و زبر و الواح و ظهور مجلی طور در سدره سینا و ماعداکل بنده آن آستانیم و احقر پاسبان ... مقصود اینست که قبل از الف کسی سزاوار تکلم بحر فی نیست ولو مقام ولایت باشد. کتاب اقدس مرجع جمیع امم و احکام الهی در آن مصرح؛ احکام غیر مذکوره راجع بقرار بیت‌العدل؛ دیگر اسباب اختلافی نه... زنهار زنهار مگذارید نفسی رخنه کند و القاء فتنه نماید. اگر اختلاف آرائی حاصل گردد بیت عدل اعظم فوراً حل مشکلات فرماید و اکثریت آراء آنچه بیان کند صرف

حقیقت است؛ زیرا بیت عدل اعظم در تحت حمایت و عصمت و عفت سلطان احدیتست و او را صیانت از خطا فرماید و در ظل جناح عفت و عصمت خویش محافظه نماید. هر کس مخالف کند مردود گردد و عاقبت مقهور شود. و بیت عدل اعظم بترتیب و نظامی که در انتخاب مجالس ملت در اروپا انتخاب میشود انتخاب گردد و چون ممالک مهتدی شود بیوت عدل ممالک بیت عدل اعظم را انتخاب نماید و در هر زمان که جمیع احباء در هر دیار و کلائی تعیین نمایند و آنان نفوسی را انتخاب کنند و آن نفوس هیئت را انتخاب نمایند آن بیت العدل اعظم است و الا تأسیس مشروط بایمان جمیع ممالک عالم نه. مثلاً اگر وقت مقتضی بود و فساد نداشت احبای ایران و کلائی انتخاب مینمودند و احبای امریک و هند و سائر جهات نیز و کلائی انتخاب مینمودند و آنان بیت العدل انتخاب مینمودند آن بیت العدل اعظم بود. والسلام. (مکاتیب، ج ۳، ص ۵۰۰)

یاران باید متوجه باشند که در نصوص مبارکه هیچ نکته‌ای نیست که اشاره داشته باشد که فقط ولی امرالله می‌تواند دعوت به انتخاب بیت العدل اعظم نماید. برعکس، حضرت عبدالبهاء دعوت به این انتخابات را در ایام حیات خویش پیش‌بینی فرمودند. در زمانی که توسط حضرت ولی امرالله به عنوان "مظلّم ترین لحظات حیات آن حضرت، تحت حکومت عبدالحمید، که هیکل مبارک خود را آماده اخراج و تبعید به نامساعدترین نواحی آفریقای شمالی می‌کردند" توصیف می‌فرمایند، و زمانی که حتّی حیات خود هیکل مبارک مرکز میثاق در مخاطره و تهدید بود، حضرت عبدالبهاء به حاجی میرزا تقی افغان، پسرخاله حضرت ربّ اعلی و بانی اصلی معبد عشق آباد، مکتوبی مرقوم و به ایشان امر فرمودند در صورتی که تهدیدات علیه مرکز میثاق عملی گردد، ترتیب انتخاب بیت العدل اعظم را بدهد. بخش ثانی الواح و صایای حضرت مولی‌الوری نیز به چنین وضعیتی مرتبط است و باید یاران الهی آن را مطالعه نمایند.

گروه دوم مسائل که برخی از یاران را آزار می‌دهد بر مسئله معصومیت بیت العدل اعظم و توانائی فعالیت آن بدون حضور ولی امر متمرکز است. مشکل اخصّ از درک دلالات بیان زیر صادره از قلم حضرت ولی محبوب امرالله نشأت گرفته است:

هرگاه ولایت امر از نظم بدیع حضرت بهاءالله منتزع شود، اساس این نظم متزلزل و الی الابد محروم از اصل توارثی می‌گردد که به فرموده حضرت عبدالبهاء در جمیع شرایع الهی نیز برقرار بوده است. حضرت عبدالبهاء در لوحی که به افتخار یکی از احبای ایران نازل گردیده می‌فرماید، "در جمیع شرایع الهیه ولد بکر امتیازات فوق العاده داشته حتّی میراث نبوت تعلق به او داشت." بدون این مؤسسه وحدت امرالله در خطر افتد و بنیانش متزلزل گردد و از منزلتش بکاهد و از واسطه فیضی که بر عواقب امور در طیّ دهور احاطه دارد بالمرّه بی نصیب ماند و هدایتی که جهت تعیین حدود و وظائف تقنینیه منتخبین ضروری است سلب شود. (دور هائی، ص ۸۲)

یارانی که مایلند در زمان حاضر درکی روشن‌تر از این بیان داشته باشند، باید آن را با توجه به بسیاری از بیانات مبارکه دیگر که به همین موضوع مربوط می‌شود، مدّ نظر قرار دهند. فی‌المثل به فقرات ذیل که از آثار حضرت شوق افندی استخراج شده توجه نمایند:

آنها (حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء)... با بیانی صریح و قاطع دو مؤسسه توأمان بیت العدل و ولایت امرالله را به عنوان جانشینان خویش معین فرموده‌اند که وظائفشان عبارت است از اجراء اصول و ترویج حدود و محافظه

مؤسّسات و تطابق حکیمانۀ امرالله با مقتضیات زمان و تحقّق میراث مرغوب خلل‌ناپذیر بانی بنیان امر یزدان در عالم امکان. (توقیع مورخ ۲۱ مارس ۱۹۳۰، نظم جهانی بهائی، ص ۲۵)

و نیز هر یک از اهل بهاء باید بدانند که مؤسّسه ولایت امرالله به هیچ وجه اختیاراتی را که حضرت بهاءالله در کتاب اقدس و حضرت عبداله‌بهاء در الواح وصایا به بیت‌العدل اعظم تفویض فرموده‌اند سلب نمی‌نماید و به هیچ منوال با مندرجات الواح وصایا و الواح حضرت بهاءالله تضادّی را به وجود نمی‌آورد و هرگز دستورات مُنزله مبارکه‌اش را باطل نمی‌سازد. بلکه برعکس، مؤسّسه ولایت امرالله بر وقر و اعتبار بیت‌العدل اعظم می‌افزاید و بدون آن که سر موتی به حریم حکومت و وظائفش که در نصوص مبارکه مصرّح گشته تجاوز نماید، مقام منیعش را ثبات می‌بخشد و وحدتش را حفاظت می‌کند و مجهوداتش را مداومت می‌دهد. ما هنوز از لحاظ زمانی به این سند عظیم، یعنی الواح وصایا، بسیار نزدیکیم و از ادراک کامل مضامینش و از اطلاع بر اسرار مکنونه‌اش عاجز و ناتوان. (توقیع ۲۷ فوریه ۱۹۲۹، نظم جهانی بهائی، ص ۱۲)

از این بیانات کاملاً واضح و روشن است که ولیّ امر میبایست آیات‌الله و بیت‌العدل اعظم واضح احکام غیرمنصوصه است. تفسیر و تبیین ولایت امر در دایره خویش همانقدر مورد تمکین و انقیاد است که قوانین موضوعه بیت‌العدل که حقوق و امتیازاتش وضع قوانین و احکام غیرمنصوصه حضرت بهاءالله است. هیچیک از این دو نمی‌تواند به حدود مقدّسه دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدّی نخواهد نمود.

هیچیک در صدد تزییف سلطه و اختیارات مخصوصه مسلمۀ دیگری که از طرف خداوند عنایت گشته است بر نخواهد آمد. (دور بهائی، ص ۸۵)

هر یک ... قدرت و اختیارات و حقوق و امتیازات خود را در حدود مشخصه اعمال می‌نماید و قدرت و اختیارات و حقوق و امتیازات این دو مؤسسه هیچ یک با یکدیگر متناقض نیست. (همان، ص ۸۲)

هرچند ولی امر رئیس لاینعزل این مجلس فخیم است، معهذا نمی‌تواند بنفسه حتّی بطور موقت واضح قوانین و احکام گردد و با تصمیمات اکثریت اعضای مجلس را الغاء نماید. (همان، ص ۸۵)

از آن گذشته، این کلام حضرت بهاءالله قلوب احبّاء را مطمئن نماید:

ید قدرت الهیه این امر نازنین را بر اساس متین و محکم استوار فرموده که طوفان انقلابات عالم کون بنیان آن را هرگز منهدم ننماید و اوهام بشر آن را متزلزل نسازد. (ترجمه بیان مبارک مندرج در دور بهائی، ص ۲۵)

و این بیان حضرت عبداله‌بهاء آنها را دلگرم سازد:

فی الحقیقه، یفعل الله ما یشاء؛ هیچ چیز نمی‌تواند میثاقش را متزلزل سازد؛ هیچ چیز نمی‌تواند مانع از نزول الطافش گردد یا با امرش مخالفت کند؛ یعقل ما یرید و ما یشاء و أنّه هو المقتدر علی الاشیاء کلّها (ترجمه - Tablets of 'Abdu'l-Baha جلد

یاران الهی باید درک کنند که بیت‌العدل اعظم قبل از وضع قانون در هر موردی، ابتدا به مطالعه دقیق و جامع آثار مقدّسه مبارکه و تواقیع منیعه حضرت ولی امرالله در خصوص موضوع مورد نظر خواهد پرداخت. تبیینات مکتوب حضرت ولی محبوب امرالله گستره وسیعی از مواضع را در بر می‌گیرد و مانند نفس نصوص مبارکه واجب‌الاطاعه است.

بین تبیینات حضرت ولی امرالله و توضیحات بیت‌العدل اعظم در اجرای وظیفه‌اش که مذاکره "در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیرمنصوصه"<sup>(۱)</sup> می‌باشد، تفاوت عمیق وجود دارد. ولی امرالله معانی حقیقی آثار مبارکه را بیان می‌فرماید؛ تبییناتش بیان حقیقت است و غیر قابل تغییر و تبدیل. به بیان حضرت ولی امرالله "حقّ مسلم تشریح احکام غیرمنصوصه بهائی فقط مختصّ بیت‌العدل اعظم است."<sup>(۲)</sup> بیانیه‌های بیت‌العدل اعظم، که توسط خود بیت‌العدل اعظم قابل اصلاح یا الغاء هستند، مکمل شریعه‌الله و وسیله اجرای آن هستند. اگرچه بیت‌العدل اعظم دارای وظیفه تبیین نیست، اما در موقعیتی قرار دارد که هر آنچه برای استقرار و تثبیت نظم جهانی حضرت بهاءالله در بسط غبراء ضروری باشد، انجام دهد. وحدت عقاید با وجود متون موثق آثار مبارکه و تبیینات کثیره حضرت عبداله‌بهاء و حضرت شوقی افندی، همراه با نهی اکید هر گونه اعلام تبیینات "موثق" یا "ملهم" یا غصب مقام و وظیفه ولایت، حفظ و صیانت می‌شود. وحدت امور اداری و اجرایی با اقتدار و اختیارات بیت‌العدل اعظم تضمین می‌گردد.

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "چنین است کلمه ثابت و تغییرناپذیر امر الهی و در عین حال چنین است انعطاف‌پذیری وظائف مجریان امر بهائی. آن تغییرناپذیری کلمه‌الله هویت امر بهائی را ثابت و اصالت احکامش را محفوظ می‌دارد و این انعطاف‌پذیری سبب میشود که هیكل زنده امرالله رشد و نمو نماید و خود را با حوائج و مقتضیات جامعه دائم‌التغییر بشری منطبق و موافق سازد."<sup>(۳)</sup>

هر مؤمن واقعی، اگر درکی عمیق از امر حضرت بهاءالله داشته باشد، باید ایمان عمیق به تأثیر مطمئن و دائمی پیام و میثاق آن حضرت را با تصدیق خاضعانه این نکته ترکیب نماید که احدی از نسل او نمی‌تواند ادعا کند که وسعت امر الهی را به طور کامل درک نموده یا قوا، استعدادها و رموز کثیره مندج در آن وقوف یافته است. کلام حضرت ولی امرالله شاهدیست وافی و گواهیست کافی بر این حقیقت:

چه عظیم است ظهور حضرت بهاءالله و چه وسیع است فیوضات و مواهب این زمان که نصیب عالمانسانی است و چه نارسا و قلیل است فهم و ادراک ما از عظمت و جلال آن ظهور بی‌همتا. نسل حاضر به این ظهور اعظم نزدیکتر از آن است که بتواند از قدرت و قوت امر بهاءالله باخبر گردد و خواص ممتاز بی‌نظیر و اسرار مکنون و مستورش را چنانکه باید و شاید ادراک نماید.<sup>(۴)</sup>

مولای محبوب ما در الواح مبارکه وصایا از ما خواسته‌اند که نه تنها بدون هیچ قید و شرطی آن (نظم بدیع جهان‌آرای حضرت بهاءالله) را اختیار کنیم، بلکه مزایای آن را برای جمیع اهل عالم مشهود و معلوم سازیم. مساعی ما برای تخمین ارزش کامل و درک اهمیّت دقیق آن در مدتی چنین کوتاه که از زمان ایجاد آن می‌گذرد، اقدامی بسیار زود هنگام و جسورانه

۱- الواح وصایا، ایام تسعه، ص ۴۷۷

۲- دور بهائی، ص ۹۳

۳- نظم جهانی بهائی، ص ۳۱

۴- نظم جهانی بهائی، ص ۳۳

خواهد بود. برای برخورداری از درکی واضحتر و کاملتر از شرایط و دلالات آن، باید به زمان و هدایات بیت‌العدل اعظم الهی اعتماد کنیم... (ترجمه توفیق ۲۳ فوریه ۱۹۲۴ مندرج در صفحه ۶۲ Bahá'í Administration)

و اما آنچه راجع بترتیب و تمشیت امور روحانیّه احبّا است همانا تقویت اساس محافل مقدّس روحانیست در تمام نقاط؛ چه که بر این اساس محکم متین در مستقبل ایّام بیت‌العدل اعظم الهی استوار و برقرار گردد و چون این بنیان اعظم بر این اساس اقوم مرتفع شود، نوایای مقدّسه الهیه و حکم و معانی کلّیه و رموز و حقائق ملکوتیه که در وصایای مبارکه الهامات غیبی حضرت بهاء‌الله و دیعه گذاشته، بتدریج ظاهر و آشکار گردد و جلوه نماید. (از توفیق ۱۹ دسامبر ۱۹۲۳ خطاب به محفل مقدّس روحانی طهران، منتخبات توفیعات مبارکه، طبع ۱۰۵ بدیع، ص ۴۷)

بیاناتی از این قبیل نشان می‌دهد که معنای کامل الواح و صایای حضرت عبداله‌بهاء و نیز درک دلالات نظم جهانی که سند متعالی و شکفت‌انگیز مزبور طلّیعه آن است، تنها به تدریج در مقابل اعین افراد بشر و بعد از ایجاد بیت‌العدل اعظم می‌تواند مشهود و آشکار گردد. از یاران خواسته می‌شود که به زمان اعتماد داشته باشند و منتظر هدایات بیت‌العدل اعظم باشند، که، منطبق با مقتضیات، بیانیه‌هایی را صادر خواهد کرد که مواضع مبهمه را حلّ و واضح خواهد ساخت. گروه سوم از مسائل و سؤالات توسط یارانی مطرح می‌شود که نگران جزئیات فعالیت بیت‌العدل اعظم در غیاب ولیّ امر، بخصوص موضوع اخراج اعضاء بیت‌العدل، هستند. چنین مسائلی در قانون اساسی بیت‌العدل اعظم، که تدوین آن از جمله اهداف نقشه‌نُه‌ساله می‌باشد، توضیح داده خواهد شد. در این ضمن، به اطلاع یاران می‌رساند که هر عضوی که مرتکب گناهی شود که "در حق عموم ضرری حاصل شود"<sup>(۱)</sup> با رأی اکثریت خود بیت‌العدل اعظم می‌توان او را از عضویت منفصل نمود. اگر معاذالله، عضوی از اعضاء مرتکب نقض عهد شود، موضوع توسط حضرات ایادی امرالله مورد تحقیق و تفحص قرار خواهد گرفت و ناقض میثاق، مانند هر فرد دیگری از احبّاء، با تصمیم حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس و تصویب بیت‌العدل اعظم از جامعه اخراج خواهد شد. تصمیم حضرات ایادی در چنین قضیه‌ای توسط بیت‌العدل اعظم به عالم بهائی اعلام خواهد گردید.

اطمینان داریم که وقتی شما این مکتوب را به اطلاع احبّاء برسانید و بیانات مبارکه و آثار حضرت ولی امرالله که نقل گردید مورد توجه آنان واقع گردد، تردیدها و دودلی‌های آنها زائل خواهد شد و قادر خواهند بود مساعی خویش را صرف انتشار پیام حضرت بهاء‌الله نمایند و اطمینان راسخ داشته باشند که سطوت میثاق بر جمیع امتحانات و افتتاناتی که به عنایت مرموز الهی نازل می‌گردد غالب خواهد شد و به این ترتیب توانایی خود را برای نجات جهانی مبتلا به مصائب و بلاها و اهترزاز رایت سمحای ملکوت الهی بر بسیط غبراء را به منصفه ظهور خواهد رسانید. (ترجمه - پیام ۹ مارس ۱۹۶۵ خطاب به یکی از محافل روحانی ملی، مندرج در Wellspring of Guidance ص ۵۶-۴۴)

۴۷- شما ضمن استناد به بیان حضرت ولی امرالله که "... اگر محیط مساعدی به وجود می‌آمد که بهائیان ایران و کشورهای همجوار تحت تسلط روسیه می‌توانستند نمایندگان خود را ... انتخاب نمایند، دیگر مانعی در تشکیل بیت‌العدل عمومی نبود،"<sup>(۲)</sup> در خصوص مناسبت زمانی انتخابات بیت‌العدل اعظم سؤال کرده‌اید. حضرت ولی امرالله در تاریخ ۱۹ آوریل ۱۹۴۷ در مکتوبی که منشی هیکل مبارک از طرف ایشان در جواب یکی از احاد احبّاء که در خصوص همین بیان سؤال کرده

بود، چنین می‌فرمایند، "در زمانی که هیكل مبارک به روسیه اشاره فرمودند، احباء در این کشور حضور داشتند. اکنون جامعه عملاً در آنجا وجود ندارد؛ بنابراین تشکیل بیت‌العدل عمومی را نمی‌توان منوط به تشکیل محفل روحانی ملی روسیه نمود. اما سایر محافل روحانی ملی قوی قبل از آن که بتوان بیت‌العدل را تأسیس کرد، باید تشکیل شوند." (ترجمه)

شما این احتمال را مطرح کرده‌اید که جهت حفظ مصالح امریه برخی از اطلاعات مربوط به جانشینی حضرت شوقی افندی از آحاد احباء دریغ می‌شود. ما به شما اطمینان می‌دهیم که هیچ چیز بنا به هر دلیلی از احباء دریغ نمی‌گردد. ابداً تردیدی نیست که حضرت شوقی افندی، در الواح مبارکه و صایا، دارای اختیار برای انتصاب جانشین خود بودند، اما ایشان فرزندی نداشتند و جمیع اغصان در قید حیات نقض عهد کرده بودند. به این ترتیب همانطور که حضرات ایادی امرالله در سال ۱۹۵۷ اعلام کردند،<sup>(۱)</sup> واضح و بدیهی است که احدی وجود نداشت که ایشان بتوانند طبق مضامین الواح مبارکه و صایا به عنوان جانشین خود منصوب فرمایند. بدیهی است، اقدام برای انتصاب خارج از شرایط واضح و مصرح الواح مبارکه و صایای حضرت مولی‌الوری در نظر حضرت ولی امرالله، محافظ و مدافع میثاق که به الهام الهی منصوب گردیده بودند، اقدامی مستحیل و غیر قابل تصور بود. مضافاً، همانطور که واقفید همین الواح و صایا وسیله‌ای واضح برای تأیید انتصاب جانشین توسط حضرت ولی امرالله تعیین کرده است. نه نفر از حضرات ایادی می‌بایست توسط هیأت ایادی انتخاب شوند و با رأی مخفی انتخاب ولی امر را مورد تصدیق قرار دهند. در سال ۱۹۵۷ کل هیأت ایادی، بعد از تحقیق و بررسی کامل این موضوع، اعلام کردند که حضرت شوقی افندی نه جانشینی منصوب فرموده‌اند و نه وصیت‌نامه‌ای از خود به جای گذاشته‌اند. این موضوع مستند و تثبیت شده است.

این واقعیت را که حضرت شوقی افندی هیچ وصیت‌نامه‌ای از خود به جای نگذاشتند نمی‌توان به عنوان مدرکی دال بر قصور ایشان در اطاعت از حضرت بهاء‌الله اقامه نمود، بلکه باید تصدیق کنیم که در نفس سکوت ایشان حکمتی و نشانه‌ای از هدایت مصون از خطای ایشان وجود دارد. ما باید عمیقاً در آثاری که در دست داریم تأمل و تفکر نماییم و سعی کنیم اشارات و دلالات کثیره مندرج در آنها را دریابیم. فراموش نکنید که حضرت شوقی افندی فرمودند برای درکی فزاینده نسبت به نظم جهانی حضرت بهاء‌الله دو امر لازم است: مضمی زمان و هدایت بیت‌العدل اعظم.

عصمت بیت‌العدل اعظم، که در حیطة مقدر خود فعالیت می‌کند، منوط به حضور ولی امرالله در زمره اعضا آن نشده است. اگرچه در حیطة تبیین، بیانیه‌های حضرت ولی امرالله مطاع است، در زمینه شرکت ولی امر در تشریح، همیشه تصمیم نفس بیت‌العدل باید غالب باشد. این موضوع در این کلام حضرت ولی امرالله مورد تأیید واقع شده است، "تفسیر و تبیین ولایت امر در دایره خویش همانقدر مورد تمکین و اتقیاد است که قوانین موضوعه بیت عدل که حقوق و امتیازاتش وضع قوانین و احکام غیرمنصوصه حضرت بهاء‌الله است. هیچ یک از این دو نمی‌تواند به حدود مقدسه دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود. هیچ یک در صدد تزییف سُلطه و اختیارات مخصوصه مسلمة دیگری که از طرف خداوند عنایت گشته

۱- توضیح مترجم: اشاره معهد اعلی به پیام ۲۵ نوامبر ۱۹۵۷ حضرات ایادی امرالله است که در طی آن اعلام فرمودند، "... در صبح یوم بعد یعنی نوزدهم نوامبر نه نفر از ایادی امرالله منتخب از ایادی مقیم ارض اقدس و چند قاره از قارات شرق و غرب در معیت حضرت امه‌البهاء روحیه خانم مهرهای صندوق آهنین و میز تحریر حضرت ولی محبوب امرالله را برداشت و محتویات ثمینه آنها را به کمال دقت رسیدگی کردند و سپس این عده به سایر ایادی مجتمعه در روضه مبارکه در بهجی ملحق گردیده و متفقاً تصدیق نمودند که حضرت شوقی افندی وصیت‌نامه‌ای از خود بجای نگذاشته‌اند و همچنین تصدیق نمودند که حضرت ولی امرالله اولادی از خود باقی نگذاشته‌اند، اغصان عموماً یا فوت نموده و یا به علت بی‌وفایی و عدم اعتقاد به الواح و صایای حضرت مولی‌الوری و ابراز کینه و عداوت نسبت به شخصی که به عنوان اولین ولی امرالله در آن سند مقدس تعیین و تسمیه گردیده‌از طرف حضرت ولی امرالله ناقضین عهد و میثاق معرفی شده‌اند. اولین اثر درک این حقیقت که تعیین جانشین برای حضرت شوقی افندی مقدور نبوده است ایادی امرالله را به ورطه ناامیدی افکند..." (ارکان نظم بدیع، صص ۷۸-۷۷)

است بر نخواهد آمد.

هرچند ولی امر رئیس لاینعزل این مجلس فخیم است، معذافمی تواند بنفسه حتی بطور موقت واضح قوانین و احکام گردد و یا تصمیمات اکثریت اعضای مجلس را الغاء نماید؛ ولیکن هرگاه تصمیمی را وجداناً مباین با روح آیات مُنزله تشخیص دهد باید ابرام و تأکید در تجدید نظر آن نماید.<sup>(۱)</sup>

اما، غیر از فعالیت به عنوان یک عضو و رئیس مقدّس ابدی بیت العدل اعظم، حضرت ولی امرالله، در حیطه فعالیت خود، حقّ و وظیفه "تعیین حدود و وظائف تقنینیه"<sup>(۲)</sup> بیت العدل اعظم را داشتند. به عبارت دیگر، ایشان اختیار داشتند اعلام نمایند که آیا موضوعی از قبل در متون نصوص مقدّسه و آثار مبارکه وجود داشت یا نداشت و بنابراین آیا در زمره اختیارات بیت العدل اعظم بود که در زمینه مزبور به تشریح احکام بپردازند یا خیر. هیچ نفس دیگری به جز ولی امرالله حقّ یا اختیار ندارد که چنین موضوعی را تعریف کند. بنابراین این سؤال مطرح می شود که در غیاب ولی امرالله، آیا بیت العدل اعظم در خطر انحراف و خروج از حیطه صحیح و دقیق خود و در نتیجه ارتکاب خطا نیست؟ در اینجا باید سه نکته را مدّ نظر قرار دهیم: اوّل آن که، حضرت شوقی افندی در طول سی و شش سال ولایت خود، بیانات لاتعدّ و لاتحصایی عنایت فرموده اند که تبیینات حضرت عبدالهّاء و نفس حضرت بهاءالله را تکمیل می کند. همانطور که قبلاً به یاران اعلام شده است، مطالعه دقیق آثار مقدّسه و تبیینات مبارکه در هر موضوعی که بیت العدل اعظم قصد وضع حکمی در آن مورد داشته باشد، همیشه مقدّم بر اقدام به تشریح خواهد بود. دوم آن که، بیت العدل اعظم که فی نفسه مطمئن و مؤیّد به هدایت الهیه است، کاملاً از غیبت ولی امر آگاهی دارد و تنها زمانی اقدام به تشریح می کند که از حیطه تشریح خود مطمئن باشد، حیطه ای که حضرت ولی امرالله در کمال اطمینان به عنوان "اختیارات معینه"<sup>(۳)</sup> توصیف می فرمایند. سوم آن که، نباید بیانیّه مکتوب حضرت ولی امرالله در مورد این دو مؤسسه را فراموش کنیم: "هیچ یک از این دو نمی تواند به حدود مقدّسه دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود."<sup>(۴)</sup>

و اما در خصوص نیاز به استنباط و استنتاج از آثار مقدّسه جهت مساعدت به تدوین احکام و تشریح توسط بیت العدل اعظم، به بیان زیر صادره از یراعه حضرت عبدالهّاء توجه باید نمود:

مسائل کلّیه که اساس شریعت الله است منصوص است ولی متفرّعات راجع به بیت العدل و حکمت این است که زمان بر یک منوال نماند تغییر و تبدل از خصایص و لوازم امکان و زمان و مکان است لهذا بیت العدل به مقتضای آن مجری می نماید.<sup>(۵)</sup>

همچه ملاحظه نشود که بیت العدل بفکر و رأی خویش قراری دهد؛ استغفرالله. بیت العدل باهام و تأیید روح القدس قرار و احکام جاری نماید زیرا تحت وقایت و حمایت و صیانت جمال قدم است و آنچه قرار دهد اتّباعش فرض مسلم و واجب متحتّم است ابداً مقرّی از برای نفسی نه.<sup>(۶)</sup>

قل یا قوم إنّ بیت العدل الاعظم تحت جناح ربکم الرحمن الرحیم ای صونه و حمایته و حفظه و کلائته لانه امر المؤمنین و الموقعین باطاعة تلك العُصبة الطیّبة الطّاهرة و الثّلة المقدّسة القاهرة فسُلطتها ملکوتیة رحمانیة و احکامها الهامیة

۱- دور بهائی، صفحه ۸۵

۲- دور بهائی، ص ۸۳

۳- دور بهائی، ص ۸۲

۴- دور بهائی، ص ۸۵

۵- نقل از مقدّمه کتاب اقدس، طبع مرکز جهانی، ص ۱۲

۶- گلزار تعلیم بهائی، ص ۲۳۱ به نقل از جزوه منتشره بیت العدل اعظم

باری مقصود و حکمت ارجاع احکام مدنیّه به بیت‌العدل این است و در شریعت فرقان نیز جمیع احکام منصوص نبود بلکه عشر عشر معشار منصوص نه اگرچه کلیّه مسائل مهمّه مذکور ولی البتّه یک کرور احکام غیرمذکور بود. بعدعلماء به قواعد اصول استنباط نمودند و در آن شرایع اولیه افراد علماء استنباطهای مختلف می نمودند و مجری میشد. حال استنباط به هیأت بیت‌العدل است و استنباط و استخراج افراد علماء را حکمی نه، مگر آن که در تحت تصدیق بیت عدل در آید و فرق هیمن است که از استنباط و تصدیق هیأت بیت عدل که اعضایش منتخب و مسلم عموم ملت است اختلاف حاصل نمی گردد ولی از استنباط افراد علماء حکماً اختلاف حاصل شود و باعث تفریق و تشنیت و تبعیض گردد و وحدت کلمه بر هم خورد و اتحاد دین‌الله مضمحل شود و بنیان شریعت‌الله متزلزل گردد. (۲)

در نظم حضرت بهاء‌الله و وظائف معینی وجود دارد که برای مشروعات مشخصی تعیین شده، و سایر وظائف بالمشارکه انجام می شود، حتی اگر در زمینه خاص و تخصص یکی یا دیگری باشد. فی‌المثل، اگرچه حضرات ایادی امرالله و وظائف معین صیانت و تبلیغ را به عهده دارند، و در این فعالیت‌ها متبخر هستند، وظیفه بیت‌العدل اعظم و محافل روحانی نیز صیانت و تبلیغ امرالله است، مسلماً تبلیغ و وظیفه مقدّسی است که به عهده جمیع مؤمنین به حضرت بهاء‌الله گذاشته شده است. همچنین، اگرچه بعد از حضرت مولی‌الوری، تبیین موثّق و مجاز منحصرأ در حیطة اقتدار حضرت ولی امرالله است، و اگرچه تشریح منحصرأ وظیفه بیت‌العدل اعظم است، اما این دو مؤسسه به بیان حضرت ولی امرالله، "در مقاصد و نوایا همواره متحدند." (۳) "هدف مشترک و اساسی این دو مؤسسه آن است که همواره سلطه و اختیاراتی را که من جانب‌الله بوده و از نفس مظهر ظهور سرچشمه گرفته است حفظ نماید و وحدت پیروان آئینش را محفوظ دارد و اصالت و جامعیت تعالیمش را صیانت کند." (۴) در حالی که بیت‌العدل اعظم نمی تواند هر گونه وظیفه‌ای را که منحصرأ به ولی امرالله تعلق دارد به عهده بگیرد، اما باید همچنان هدف مشترک بین خود و مقام ولایت امرالله را دنبال نماید.

همانطور که با نقل بیانات بسیاری خاطر نشان ساخته‌اید، حضرت شوقی افندی مکرراً تفکیک‌ناپذیری این دو مؤسسه را مورد تأکید قرار داده‌اند. اگرچه آشکارا ایشان فعالیت توأمان این دو را پیش‌بینی فرمودند، منطقاً نمی توان از آن استنتاج نمود که یکی در غیاب دیگری قادر به فعالیت نیست. در طی سی و شش سال تمام ولایت امرالله، حضرت شوقی افندی بدون بیت‌العدل اعظم فعالیت کردند. حال، بیت‌العدل اعظم باید بدون ولی امرالله فعالیت کند، اما اصل تفکیک‌ناپذیری همچنان به قوت خود باقی است. ولایت امرالله، صرفاً به این علت که ولی امری در قید حیات نیست، اهمیت و مقام خود را در نظم حضرت بهاء‌الله از دست نمی دهد. ما باید از دو حدّ افراط و تفریط پرهیز کنیم: یکی آن که استدلال شود چون ولی امری وجود ندارد پس تمام آنچه که در مورد ولایت امرالله و مقام آن در نظم جهانی بهائی نوشته شده مکتوبی است که جز نامی از آن باقی نمانده است؛ و دیگر آن که چنان تحت تأثیر اهمیت ولایت امر قرار گیریم که قوت میثاق را قلیل شماریم یا وسوسه شویم که با نصوص صریحه چنان به مصالحه برسیم که به طریق "ولی امری" پیدا کنیم.

خدمت به امر الهی مستلزم وفاداری و صداقت و ایمان تزلزل‌ناپذیر به ذات خداوندی است. در دست گرفتن مسئولیت امر آتیّه الهی در دستان خود و، بدون ملاحظه نصوص واضح و محدودیت‌های خودمان، تلاش برای فرستادن آن به راههایی که مایلیم بدان سوی متمایل شود، نه تنها منجر به خیر و مصلحت نمی شود بلکه منشأ شرّ و فساد خواهد بود. این امر او است.

۲- مقدمه کتاب اقدس، صص ۱۲-۱۳ / رحیق مختوم، ج ۱، ص ۳۰۳

۱- رحیق مختوم، ج ۱، ص ۳۰۳

۴- دور بهائی، ص ۸۱

۳- دور بهائی، ص ۸۲

او وعده داده است که نورش هرگز خاموشی نپذیرد. نقش ما این است که در نهایت استقامت و استحکام به کلام مُنزله و مشروعاتی که حضرتش برای صیانت از میثاقش خلق فرموده، متمسک شویم.

دقیقاً در این رابطه است که احبّاء باید اهمیتِ خضوع و صداقتِ تعلّی و فکری را دریابند. در ادوار ماضیه، به این علّت که مؤمنین به ظهور الهی بیش از حدّ مشتاق بودند پیام الهی را در چارچوب تفکر محدود خویش قرار دهند، اصول اعتقادی را ورای قدرت و توان خود تعریف کنند، اسرار و رموزی را که تنها حکمت و تجربهٔ عصر بعد از آن قابل درکش می‌ساخت توضیح دهند، حقانیت امری را به این علّت که مطلوب و ضروری به نظر می‌رسید مورد مباحثه و استدلال قرار دهند، خطاهای بسیاری رخ نمود. ما باید از چنین مصالحه‌هایی با حقیقت اساسی، چنین غرور و نخوت فکری با دقّت و صداقت اجتناب نماییم.

اگر برخی از بیانیه‌های بیت‌العدل اعظم تفصیلی نیست، یاران باید متوجّه باشند که علّت آن مخفی‌کاری و پنهان‌کاری نیست، بلکه عزم جزم این هیأت است که از تبیین تعالیم اجتناب نماید و حقیقت بیانات حضرت ولی امرالله را صیانت نماید که فرمودند، "رهبران ادیان و مروّجان فرضیه‌های سیاسی و رؤسای جوامع انسانی ... نباید آنی در اصل و اعتبار و کیفیت مؤسّسات و تشکیلات بهائی که اهل بهاء در سراسر جهان<sup>(۱)</sup> به بنایش مشغولند ادنی شکّ و شبهه‌ای نمایند. زیرا همهٔ آنها در گنجینهٔ تعالیم و آثار بهائی موجود و مذکور است و هرگز ابهامی در میان نیست که مجال دهد تا فساد و دخالت‌های بیجا و تفسیرهای غیر مجاز در آن نظم بدیع راه یابد."<sup>(۲)</sup>

در این امر مبارک، بین تبیین موثّق و تبیین یا درکی که هر یک از افراد با مطالعهٔ تعالیم برای خود به آن می‌رسد، وجه تمایزی بارز و روشن وجود دارد. در حالی که وجه اوّل محصور و منحصر به حضرت ولی امرالله است، وجه ثانی، بنا به هدایتی که از نفس حضرت ولی امرالله به ما عنایت شده، به هیچ وجه نباید سرکوب و منکوب گردد. در واقع چنین تبیین فردی ثمرهٔ قوّهٔ عقل و منطق انسان تلقّی می‌شود و منتجّ به درک بهتر تعالیم مبارکه می‌گردد، مشروط بر آن که هیچ مجادله یا مباحثه‌ای در میان احبّاء ایجاد نشود و فرد دریابد و توضیح دهد که این صرفاً آراء و نظرات خود او است.<sup>(۳)</sup> با رشد درک شخص از تعالیم مبارکه تبیینات فردی نیز مستمرّاً متحوّل می‌شوند. حضرت ولی امرالله توضیح داده‌اند که، "عمیق شدن درامر الهی به معنای خواندن آثار مبارکهٔ حضرت بهاءالله و حضرت عبداله‌بهاء به میزانی است که بتوانیم آنها را به همان شکل بی‌پیرایه و خالص خود به دیگران عرضه نماییم. بسیاری از نفوس هستند که دارای نظریات سطحی در مورد امر مبارک می‌باشند. لذا، آن را با انواع آراء و نظریات خود به سایرین عرضه می‌کنند. از آنجا که امر الهی هنوز در دوران طفولیت خود به سر می‌برد ما باید بسیار دقّت کنیم مبادا مرتکب این خطا شویم و به نهضت مقدّسی که اینقدر مورد مدح ستایش ما است،

۱- توضیح مترجم: عبارت "در سراسر جهان" در انگلیسی موجود و در ترجمهٔ فارسی مفقود است.

۲- نظم جهانی بهائی، ص ۳۲

۳- توضیح مترجم: حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "در خصوص اظهار عقیده و نظریات شخصی در مورد امور تبلیغی رأی مبارک حضرت ولی امرالله بر آنست مادامی که شخص صریحاً بگوید که آنچه اظهار میدارد نظریات خصوصی اوست نباید آزادی او را در اظهار عقیدهٔ شخصی محدود نمود. در حقیقت این قبیل توضیحات اغلب مفید واقع می‌شود و بدان وسیله بهتر می‌توان به تعالیم الهی پی برد. خداوند به انسان قوّهٔ عاقله عطا فرموده که از آن استفاده شود نه آن که عاطل و باطل ماند. معذک مقصد آن نیست که آیات مُنزله واجد مرجعیّت مطلقه نمی‌باشد بلکه باید حتّی المقدور کوشید تا خود را به آن میزان اعظم نزدیک ساخت و در موقع توضیح و تبیین مطالب با استشهاد از بیانات مبارکه علاقتی خویش را نسبت به آیات الهی نشان داد. انکار مرجعیّت آیات مُنزله کفری است صریح و جلوگیری کامل از اظهار عقیدهٔ شخصی دربارهٔ آیات مبارکه امری است قبیح. باید سعی کرد میان این دو حالت افراطی حدّ اعتدال را رعایت نمود." (نظامات بهائی (بهائی پروسیجر)، ترجمهٔ لجنهٔ ملی ترجمهٔ آثار امری، نشر لجنهٔ ملی نشر آثار امری، بدون تاریخ طبع، صفحات ۳۳-۳۲)

صدمه و لطمه وارد کنیم. در مطالعه امر مبارک حدّ و مرزی وجود ندارد. هر چه بیشتر آثار مبارکه را بخوانیم حقایق بیشتری را در آنها کشف خواهیم کرد و بیشتر متوجه می‌شویم که عقاید پیشین ما آمیخته به خطا بوده است.<sup>(۱)</sup> بنابراین، اگرچه بینش‌های فردی می‌توانند آموزنده و مفید باشند، اما در عین حال ممکن است گمراه کننده نیز باشند. لذا، یاران باید یاد بگیرند که به آراء و نظرات دیگران گوش فرا دهند بدون آن که بیش از اندازه مهوت یا متوحّش گردند یا اجازه دهند در ایمان آنها خللی وارد شود، و نظرات خود را نیز بیان کنند بدون این که بخواهند آنها را به سایر احبّاء تحمیل نمایند.

امر الهی مانند هر موجود زنده‌ای، حیّ، پویا در حال رشد و توسعه است. بارها با بحرانهایی مواجه شده که احبّاء را متحیر و سرگردان ساخته، اما هر دفعه امر مبارک، که به وسیله مقصد ثابت و تغییر ناپذیر الهی به پیش سوق داده می‌شود، بر بحرانها غلبه نموده و به مراتب و مراتب مرتفع تری صعود کرده است.

هر قدر ناتوانی ما در درک اسرار و دلالات صعود حضرت شوقی افندی عظیم باشد، حیل متینی که جمیع باید در نهایت اطمینان بدان متشبّث باشیم، عهد و میثاق است. لحن مؤکّد و پرحرارت الواح و صایای حضرت عبداله‌بهاء در این زمان، همانند زمان صعود طلعت میثاق، محافظ و صیانت‌کننده امر الهی است:

”مرجع کلّ کتاب اقدس و هر مسئله غیرمنصوصه راجع ببیت عدل عمومی و بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا باکثرت آراء تحقّق یابد همان حقّ و مرادالله است. مَنْ تَجَاوَزَ عَنْهُ فَهُوَ يَمِّنُ أَحَبُّ الشُّقَاقِ وَأَظْهَرَ النَّسَاقِ وَأَعْرَضَ عَنِ رَبِّ الْمِيثَاقِ...“<sup>(۲)</sup>

”باید کلّ اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عداها کلّ مخالف فی ضلال مبین.“<sup>(۳)</sup>

بیت‌العدل اعظم که بنا به بیان حضرت ولی امرالله در نظر نسلهای آتیه به عنوان ”آخرین ملجأ و ملاذ مدنیّی متزلزل و لرزان“<sup>(۴)</sup> تلقی خواهند کرد، هم‌اکنون، در غیاب ولی امرالله، تنها مؤسسه‌ای در عالم است که از هدایت مصون از خطا برخوردار و مرجع کلّ می‌باشد و مسئولیت تضمین وحدت و پیشرفت امر الهی طبق کلام نازلۀ خداوندی، به عهده آن می‌باشد. بیاناتی از حضرت مولی‌الوری و حضرت ولی امرالله وجود دارد که نشان می‌دهد بیت‌العدل اعظم، علاوه بر آن که بالاترین هیأت تشریعیّه امر الهی است، هیأتی مرجع کلّ و ”تارک و رأس“ نظم اداری بهائی، و نیز ”اعلی مقام ممالک متّحده بهائی“<sup>(۵)</sup> نیز می‌باشد. حضرت ولی امرالله در آثار مبارکه خویش وظائفی اساسی مانند تدوین نقشه‌های تبلیغی جهانی آینده، هدایت امور اداری امرالله، و هدایت، سازماندهی و توحید مساعی امریه در سراسر عالم را برای بیت‌العدل اعظم بالصّراحه تعیین فرموده‌اند. مضافاً، هیکل مبارک در کتاب ”گاد پاسز بای“ می‌فرمایند، ”کتاب مستطاب اقدس ... علاوه بر احکام و قواعد و حدود و فرائضی که نظم بدیع الهی بر آن قائم و مؤسس است، این سفر قویم و وظیفه مقدّسه تبیین آیات را که به مرجع منصوص و مبین مخصوص محمول گردیده همچنین مؤسّسات ضروریه‌ای را که حافظ وحدت و جامعیت امر الهی است بصراحت بیان تعیین و تنصیص می‌نماید.“<sup>(۶)</sup> همچنین در توقیع ”دور بهائی“ مرقوم فرموده‌اند که فقط اعضاء بیت‌العدل اعظم

۱- ترجمه

۲- ایام تسعه، ص ۴۷۷

۳- همان مأخذ، ص ۸۴

۴- ترجمه - توقیع آمریکا و صلح اعظم، World Order of Baha'u'llah، صفحه ۸۹

۵- نظم جهانی بهائی، ص ۱۱

۶- قرن بدیع، طبع کانادا، ص ۴۲۷ / مقدمه کتاب اقدس، ص ۲۴

”مهابط هدایت و الهامات الهیه‌اند نه هیئت منتخبین که رأساً یا به طور غیر مستقیم ایشان را انتخاب می‌نمایند و این الهام همانا روح حیات و حافظ نهایی این ظهور اعظم است.“<sup>(۱)</sup>

همانطور که بیت‌العدل اعظم قبلاً اعلام نموده است،<sup>(۲)</sup> نمی‌تواند قانونی وضع کند که انتصاب جانشینی برای حضرت شوقی افندی را میسر سازد، و نیز نمی‌تواند به تشریح قوانینی پردازد که انتصاب تعداد بیشتری ایادی امرالله را امکانپذیر نماید<sup>(۳)</sup>، اما باید آنچه در قوه دارد برای تضمین اجرای جمیع آن وظایفی که با این دو مؤسسه قویم و متین در آن مشترک است، به کار ببرد. باید برای اجرای صحیح وظائف صیانت و تبلیغ در آتیۀ ایام که هیأت‌های اداری با مؤسسه ولایت امرالله و حضرات ایادی امرالله در آن شریکند، شرایطی را تمهید ببیند؛ باید در غیاب ولی امرالله، طبق بیان حضرت عبداله‌ها که ذیلاً نقل می‌گردد، حقوق الله را دریافت و هزینه کند: ”تصرف در حقوق جزئی و کلی جائز ولی باذن و اجازه مرجع امر“<sup>(۴)</sup>؛ باید در قانون اساسی خود شرایطی را برای اخراج هر یک از اعضاء خود که مرتکب گناهی گردد که ”در حق عموم ضرری حاصل شود“<sup>(۵)</sup>، پیش‌بینی نماید. بالاتر از همه، باید با ایمان کامل به حضرت بهاءالله، امر مبارکش را اعلان و ابلاغ و احکام و حدودش را تنفیذ نماید تا صلح اعظم در نهایت اتقان در این عالم تأسیس گردد و ایجاد ملکوت الهی بر وجه ارض تحقق یابد.

(ترجمه - دستخط مورخ ۲۷ می ۱۹۶۶ خطاب به یکی از احباء، مندرج در صفحات ۹۱-۸۱ مجموعه پیامهای ۱۹۶۸-۱۹۶۳ موسوم به Wellspring of Guidance)

۴۸- مکتوب اخیر شما، حاوی سؤالاتی که برای جوانانی که به مطالعه توفیق ”دور بهائی“ پرداخته‌اند ایجاد شده، به دقت مطالعه و ملاحظه گردید. فکر می‌کنیم باید هم در خصوص بیان مشخصی که ذکر کرده‌اید و نیز بیان دیگری از همان اثر مبارک که مرتبط با آن می‌باشد نظر خود را ابراز داریم، زیرا هر دو مربوط به ارتباط بین ولایت امرالله و بیت‌العدل اعظم می‌باشد.

فقرة اول به وظیفه ولی امرالله مربوط می‌شود که هرگاه معتقد باشد تصمیمی با مفهوم آثار مبارکه و روح آیات منزله مباینست دارد، بر تجدید نظر در آن توسط سایر اعضاء بیت‌العدل اعظم ابرام و تأکید نماید.<sup>(۱)</sup> فقرة دوم به عصمت بیت‌العدل

۱- دور بهائی، ص ۹۲

۲- توضیح مترجم: اشاره معهد اعلی به دستخط آن هیأت نورا به تاریخ ۱۶ اکتبر ۱۹۶۳ خطاب به ”محافل روحانیۀ ملیه در شرق و غرب عالم بهائی شیدالله ارکانهم“ است که در آن چنین می‌فرمایند: ”یاران محبوب این هیأت متن قرار ذیل را به اطلاع آن امناء امر رحمان می‌رساند: بیت‌العدل اعظم متوجهاً مبتهلاً بعد از غور و تمعن دقیق در نصوص مقدسه مبارکه راجع به تعیین وصی حضرت شوقی افندی ربّانی ولی امرالله و بعد از مشاورات مفصل و همچنین ملاحظه آراء حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس به این نتیجه رسید که طریق تعیین ولی ثانی امر بهائی وصی حضرت شوقی افندی ربّانی بکلی مسدود و امکان تشریح قوانینی که تعیین من هو بعده را میسر سازد بالمره مفقود است. این قرار را به جمیع یاران ابلاغ نمایید. بیت‌العدل اعظم. (ارکان نظم بدیع، طبع ثانی، ص ۸۳) در دستخط اکتبر ۱۹۶۳ خطاب به عالم بهائی نیز آمده است: ”بیت‌العدل اعظم متوجهاً الی الله پس از مشاورات دقیقه چنانکه قبلاً بیاران ابلاغ گردید به این نتیجه رسید که طریق تشریح قوانینی جهت انتخاب ولی ثانی امر بهائی و وصی شوقی افندی ربّانی ولی امرالله بالمره مسدود است.“ (همان، ص ۸۴)

۳- توضیح مترجم: بیت‌العدل اعظم در دستخط مورخ ۲۴ جون ۱۹۶۸ خطاب به جوامع بهائی عالم می‌فرمایند، ”بعد از صعود هیکل مبارک بر عهده بیت‌العدل اعظم قرار گرفت که با توجه به اصول نظم اداری طریق اتخاذ کنند تا دو وظیفه اساسی مؤسسه ایادی امرالله یعنی صیانت و تبلیغ امرالله در طول زمان آینده نیز استمرار یابد ... حدودی که هدف مزبور می‌تواند تحقق یابد به وسیله نکات ذیل روشن می‌گردد: ۱- بیت‌العدل اعظم برای انتصاب افرادی دیگر به سمت ایادی امرالله طریق نمی‌یابد...“ (ارکان نظم بدیع، ص ۱۲۳)

۴- لوح لسان حضور، گنجینه حدود و احکام، صفحه ۱۰۷

۶- ترجمه بیان مزبور در صفحه ۸۶ دور بهائی درج است - م

۵- الواح وصایا، ایام تسعه، ص ۴۷۱

اعظم بدون ولی امرالله، یعنی این بیان حضرت ولی امرالله مربوط می‌شود که میفرمایند، "بدون این مؤسسه (ولایت امرالله) ... هدایتی که جهت تعیین حدود و وظائف تقنینیه منتخبین ضروری است سلب شود." (۱)

اشاره کرده‌اید که برخی از جوانان متحیر شدند که چگونه می‌توان بیان اول را با بیاناتی مانند آنچه که در الواح وصایا آمده و حضرت عبدالبهاء تأکید می‌فرمایند که بیت‌العدل اعظم "مصوناً من کلّ خطأ" (۲) است، انطباق دهند.

درست همانطور که الواح وصایای حضرت عبدالبهاء به هیچ وجه با "کتاب اقدس" مابینت و تضادی ندارد، بلکه به بیان حضرت ولی امرالله "مؤید و متمم و ملازم کتاب اقدس است" (۳)، آثار و تواقیع حضرت ولی امرالله نیز نه با کلام منزله مابینتی دارد و نه با تبیینات حضرت مولی‌الوری مغایرتی. لذا، در تلاش برای درک آثار مبارکه، ابتدا باید توجه داشت که بین آنها هیچگونه تضاد واقعی وجود ندارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد و با توجه به این نکته ما می‌توانیم در کمال اطمینان به جستجوی وحدت معانی که در آنها مندرج است پردازیم.

ولی امرالله و بیت‌العدل اعظم دارای وظائف و عملکردهای مشترکی هستند و هر یک از آنها در حیطه جداگانه و متمیزی نیز فعالیت دارد. همانطور که حضرت شوقی افندی توضیح فرموده‌اند، "... کاملاً واضح و روشن است که ولی امر مبین آیات‌الله و بیت‌العدل اعظم واضح احکام غیرمنصوصه است. تفسیر و تبیین ولایت امر در دایره خویش همانقدر مورد تمکین و انقیاد است که قوانین موضوعه بیت‌العدل که حقوق و امتیازاتش وضع قوانین و احکام غیرمنصوصه حضرت بهاء‌الله است." (۴) ایشان در ادامه بیان مبارک می‌فرمایند، "هیچیک از این دو نمی‌تواند به حدود مقدسه دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود. هیچیک در صدد تزییف سُلطه و اختیارات مخصوصه مسلمة دیگری که از طرف خداوند عنایت گشته است، بر نخواهد آمد." (۵) تصوّر وجود دو مرکز اقتدار، که به بیان حضرت مولی‌الوری هر دو "در تحت حفظ و صیانت جمال اهبی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی" (۶) هستند، و بتوانند با یکدیگر مابینت و مغایرت داشته باشند، مستحیل و محال است زیرا هر دو آنها وسیله یک هدایت الهیه واحد هستند.

بیت‌العدل اعظم، غیر از وظیفه‌اش به عنوان واضح قوانین، دارای وظائف کلی تری، یعنی صیانت و اداره امرالله، حلّ مسائل مبهمه و اتخاذ تصمیم در خصوص مواضع موجد اختلاف است. در هیچ جا ذکر نشده است که عصمت بیت‌العدل اعظم به علت عضویت ولی امرالله یا حضورش در این هیأت است. محققاً، حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا و نیز حضرت شوقی افندی در تویق "دور بهائی"، هر دو، بالصراحه اظهار داشته‌اند که اعضاء منتخب بیت‌العدل اعظم در حین مشورت مهبط هدایت دائمی الهی هستند. مضافاً حضرت ولی امرالله بنفسه در "نظم جهانی بهائی" تصریح فرموده‌اند که، "هر یک از اهل بهاء باید بدانند که مؤسسه ولایت امرالله به هیچ وجه اختیاراتی را که حضرت بهاء‌الله در کتاب اقدس و حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا به بیت‌العدل اعظم تفویض فرموده‌اند سلب نمی‌نماید و به هیچ منوال با مندرجات الواح وصایا والواح حضرت بهاء‌الله تضادی را به وجود نمی‌آورد و هرگز دستورات منزله مبارکه‌اش را باطل نمی‌سازد." (۷)

در حالی که مسئولیت صریح ولی امرالله عبارت از تبیین کلام الهی است، اما جمیع قوا و حقوق انحصاری ضروری برای ایفای وظیفه به عنوان ولی امر الهی، ریاست عالی و حامی و حافظ اعلای آن نیز به ایشان اعطاء شده است. مضافاً، ولی امرالله رئیس لاینعزل و عضو مادام‌العمر هیأت عالی تشریعیه امرالله است. در مقام ریاست بیت‌العدل اعظم و عضو هیأت

۲- ایام تسعه، ص ۴۷۰  
۴- دور بهائی، ص ۸۵  
۶- الواح وصایا، ایام تسعه، ص ۴۶۷

۱- دور بهائی، ص ۸۳  
۳- نظم جهانی بهائی، ص ۲۵  
۵- دور بهائی، صص ۸۵-۸۶  
۷- نظم جهانی بهائی، صص ۱۱-۱۲

مزبور است که ولی امرالله در جریان تشریح شرکت می‌کند. اگر بیان ذیل را که موجب مطرح شدن سؤال شما گردیده، به عنوان اشارتی به این آخرین ارتباط ملاحظه گردد، مشاهده خواهید نمود که هیچ تضادّ و تباینی بین آن و سایر متون امری وجود ندارد: "هرچند ولی امر رئیس لاینعزل این مجلس فخیم است، معذرتاً نمی‌تواند بنفسه حتی بطور موقتّ واضح قوانین و احکام گردد و یا تصمیمات اعضای مجلس را الغاء نماید. ولیکن هر گاه تصمیمی را وجداناً مابین باروح آیات منزله تشخیص دهد باید ابرام و تأکید در تجدید نظر آن نماید." (۱)

اگرچه ولی امرالله، در رابطه با سایر اعضای بیت‌العدل اعظم، نمی‌تواند تصمیمات اکثریت را لغو کند، غیر قابل درک است که سایر اعضای هرگونه اعتراضی را که ولی امرالله در جریان مشاوره یا تصویب قانون مابین با آنچه که او انطباق با روح امر می‌داند، مطرح نماید نشنیده بگیرند و به آن اعتناء نمایند. مع کلّ ذلك، قضاوت نهایی بیت‌العدل اعظم است که مصون از خطا اعلام می‌شود، نه نظراتی که در طی جریان وضع قانون اظهار و ابراز می‌گردد.

بنابراین، می‌توان مشاهده کرد که تضادّی بین بیانات حضرت مولی‌الوری در خصوص هدایت دائمی الهی که بیت‌العدل اعظم بدان موهوب گشته و بیان فوق که از توقیع "دور بهائی" نقل شده، وجود ندارد.

اگر احبّاء از بعضی از جریاناتی که بیت‌العدل اعظم در حین وضع قانون طیّ می‌کند آگاهی یابند، شاید به درک آنها نسبت به این ارتباط مساعدتی بنماید. البته، ابتدا بیت‌العدل اعظم نهایت دقّت را در مطالعه نصوص مبارکه و تبیینات حضرت ولی امرالله و ملاحظه نظرات جمیع اعضاء مبذول می‌دارد. بعد از مشاوره طولانی جریان پیش‌نویس بیانیه‌ای به مورد اجرا گذاشته می‌شود. در طی این جریان، کلّ موضوع کاملاً ممکن است مورد تجدید نظر واقع شود. در نتیجه چنین تجدید نظری قضاوت نهایی ممکن است به نحو بارزی با استنتاجی که قبلاً شده بود متفاوت باشد، یا احتمالاً اتخاذ تصمیم شود که در آن زمان در آن خصوص ابدأ قانونی وضع نگردد. می‌توان دریافت که اگر حضرت ولی امرالله در قید حیات بودند در طی چنین جریانی به نظرات ایشان چه توجه عظیمی مبذول می‌شد.

در ملاحظه فقره دوم، ما باید یک مرتبه دیگر به این اصل متمسک باشیم که تعالیم مبارکه با یکدیگر مابینت ندارند. در آثار مبارکه ولی امرهای آینده به وضوح پیش‌بینی و به آنها اشاره شده است، امّا در هیچ جا وعده داده نشده و تضمین نگردید که سلسله ولّاء امرالله الی الابد پایدار خواهد ماند؛ برعکس اشارات واضحی وجود دارد که این سلسله ممکن است منقطع شود. با این همه، علیرغم آن، در آثار مبارکه بر آسیب‌ناپذیری میثاق الهی و ثبوت و تغییرناپذیری هدف و مقصد خداوند برای این یوم مکرراً تأکید شده است.

یکی از جالب‌ترین بیاناتی که احتمال چنین انقطاعی در سلسله ولّاء امرالله را پیش‌بینی کرده در نفس کتاب مستطاب اقدس است:

قد رجعتِ الاوقافِ المختصّة للخیراتِ الی اللّهِ مُظهرِ الآیاتِ \* لیس لاحدٍ انْ یتصرّفَ فیها الا بعد اذنِ مطلعِ الوحی و مِن بعده یرجعُ الحکمُ الی الأغصانِ و مِن بعدهم الی بیت‌العدلِ انْ تحقّق امره فی البلاد لیصرفوها فی البقاع المرتفعة فی هذا الامر و فیما أمرُوا به من لدنِ مقتدرٍ قدیرٍ والا تُرجع الی اهلِ البهائم الذّین لا یتکلمون الا بعد اذنه و لا یحکمون الا بما حکم اللّهُ فی هذا اللّوحِ اولئک اولیاءُ النّصرِ بین السّمواتِ و الارضین لیصرفوها فیما حدّد فی الکتاب من لدنِ عزیزِ کریم. (۲)

صعود حضرت شوقی افندی در سال ۱۹۵۷ و وضعیتی را که در این بیان پیش‌بینی شده است تسریع نمود، یعنی سلسله اغصان قبل از انتخاب بیت‌العدل اعظم به انتهای رسید. اگرچه، همانطور که مشاهده می‌شود، اختتام سلسله اغصان در مرحله‌ای پیش‌بینی شده بود، اما ما هرگز نباید لطمه سنگین و وخیمی را که امر مبارک متحمل شد قلیل شماریم. اما، هدف خداوند برای نوع بشر همچنان لایتغیر و میثاق قویم و متین حضرت بهاء‌الله شکست‌ناپذیر باقی می‌ماند. آیا حضرت بهاء‌الله قاطعانه فرموده‌اند که، "ید قدرت الهیه این امر نازنین را بر اساس متین و محکم استوار فرموده که طوفان انقلابات عالم کون بنیان آن را هرگز منهدم ننماید و اوهام بشر آن را متزلزل نسازد" (۱)؟ در حالی که حضرت عبداله‌بهاء تأیید می‌فرمایند، "فی الحقیقه، یفعل الله ما یشاء؛ هیچ چیز نمی‌تواند میثاقش را متزلزل سازد؛ هیچ چیز نمی‌تواند مانع از نزول الطافش گردد یا با امرش مخالفت کند." (۲) "همه چیز در معرض فساد و تباهی است به جز میثاق پروردگارت که همچنان محیط بر جمیع ارجاء خواهد بود." (۳) "امتحانات هر امری بقدر عظمت آن امر است. چون تا بحال چنین میثاقی صریح بقلم اعلی وقوع نیافته لهذا امتحانات نیز عظیم است ... این شبهات نقض مانند کف دریاست ... این کفهای دریا بقائی ندارند عنقریب محو و نابود گردد ولی دریای میثاق الی الابد پرموجست و در جوش و خروش ..." (۴) و حضرت شوقی افندی به وضوح فرموده‌اند، "سخره‌ای که این نظم اداری بر آن استوار است مشیت ثابتة الهیه برای عالم انسانی در عصر حاضر است." (۵) "... این گوهر الهی که هنوز در عالم جنین است البته در صدف تعالیم و احکامش نشو و نما خواهد جست و صحیح و سالم رشد و نمو خواهد کرد و عالم انسانی را در آغوش خویش محافظت خواهد نمود." (۶)

در امر بهائی دو مرکز اقتدار و اختیار تعیین شده که مرجع کل احباء هستند، زیرا فی الحقیقه مبین کلام الهی ضمیمه‌ای از مرکز مزبور می‌باشد که نفس کلمة‌الله است. کتاب الهی عبارت از ثبت و ضبط بیان حضرت بهاء‌الله است، در حالی که مبین ملهم به الهام الهی لسان حی کتاب‌الله است؛ تنها او است که می‌تواند به نحوی موثق و معتبر معانی کتاب الهی را بیان نماید. به این ترتیب یک مرکز عبارت از کتاب الهی و مبین آن است، و دیگری عبارت از بیت‌العدل اعظم است که توسط خداوند هدایت می‌شود که در مورد هر آنچه که در کتاب الهی بالصرّاحه نازل نشده تصمیم‌گیری نماید. این الگوی مراکز و ارتباط آنها در هر مرحله از ظهور و بروز امرالله مشهود است. حضرت بهاء‌الله در کتاب مستطاب اقدس به آحاد مؤمنین می‌فرمایند که بعد از صعود آن طلعت مبارک به کتاب الهی و "من اراده‌الله الّذی انشعب من هَذَا الاصل القَدیم" (۷) توجه نمایند. هیکل مبارک در کتاب عهد این نکته را توضیح می‌فرمایند که این بیان اشاره به حضرت عبداله‌بهاء است. حضرت بهاء‌الله در کتاب اقدس مؤسسه بیت‌العدل اعظم را نیز مقرر و قوایی را که این مؤسسه برای اجرای وظائف معینه نیاز دارد به آن عنایت می‌فرمایند. حضرت مولی‌الوری در الواح مبارکه و صایا صریحاً مؤسسه ولایت را، که بنا به بیان حضرت شوقی افندی به وضوح در آیات کتاب اقدس پیش‌بینی شده، تأسیس می‌فرمایند، اقتدار و اختیارات بیت‌العدل اعظم را مورد تأیید مجدد قرار داده شرح می‌دهند و دیگر بار احباء را به کتاب الهی ارجاع می‌دهند: "مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیرمنصوصه راجع ببیت عدل عمومی؛" (۸) و در انتهای الواح و صایا می‌فرمایند، "باید کل اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عداهما کل مخالف فی ضلال مبین." (۹)

۲- ترجمه - صفحه ۵۹۸ جلد سوم Tablets of 'Abdu'l-Baha

۱- نقل ترجمه بیان مبارک از صفحه ۲۵ دور بهائی

۳- ترجمه

۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبداله‌بهاء، ج ۱، ص ۲۰۵

۵- دور بهائی، ص ۹۹

۶- نظم جهانی بهائی، ص ۳۲

۷- بند ۱۲۱

۸- ایام تسعه، ص ۴۷۷

۹- ایام تسعه، ص ۴۸۴

از آنجا که حیطة اختیارات بیت‌العدل اعظم در مواضع تشریح به هر آنچه که صریحاً در نصوص مبارکه نازل نشده، گسترش می‌یابد، این نکته بدیهی است که نفس کتاب الهی بالاترین مقام مختار و مقتدر است و حیطة اقدام بیت‌العدل را تعیین می‌فرماید. همچنین، مبین کتاب‌الله نیز باید دارای اختیار جهت تعریف حیطة اقدام تشریحی و تقنینی نمایندگان منتخب امرالله باشد. آثار حضرت ولی امرالله و توصیه‌هایی که ایشان در طول سی و شش سال ولایت خود عنایت فرموده‌اند راهی را نشان می‌دهد که ایشان وظیفه مزبور را در رابطه با بیت‌العدل اعظم و نیز محافل روحانی ملی و محلی انجام دادند.

این حقیقت که ولی امرالله دارای اختیار و اقتدار جهت تعریف حیطة اقدام تشریحی و تقنینی بیت‌العدل اعظم می‌باشد این نتیجه قهری را به دنبال ندارد که بدون چنین هدایتی بیت‌العدل اعظم ممکن است از محدوده اختیارات صحیح خود تجاوز نماید و منحرف شود؛ چنین استنتاجی با جمیع نصوص دیگر که به عصمت آن اشاره دارد و به طور اخص با تصریح نفس حضرت ولی امرالله که بیت‌العدل اعظم هرگز نمی‌تواند به حیطة مقدس و مجاز ولایت تجاوز کند و تعدی نخواهد کرد، مبیانت خواهد داشت. اما باید به خاطر سپرد که اگرچه محافل روحانی ملی و محلی، اگر به روش و با روحی که حضرت عبدالبهاء توصیف فرموده‌اند به مشورت پردازند، می‌توانند از هدایت الهیه برخوردار شوند، اما آنها از عصمت موهوبه بیت‌العدل اعظم که صریحاً تضمین شده برخوردار نیستند. هر محقق دقیق امر مبارک می‌تواند مشاهده کند که حضرت ولی امرالله بعد از صعود حضرت عبدالبهاء، با چه دقتی این نمایندگان منتخب احباء را در ارتقاء پیگیر نظام اداری و در تدوین اساسنامه‌های محافل روحانی ملی و محلی هدایت فرمودند.

امیدواریم که این توضیحات در درک واضح‌تر این روابط به یاران مساعدت نماید، اما همه باید به خاطر داشته باشیم که ما به ابتدای نظامی که حضرت بهاء‌الله مقرر و مقدر فرموده‌اند نزدیکتر از آن هستیم که بتوانیم به طور کامل قوای مکنونه در آن یا روابط داخلی اجزاء متشکله آن را درک کنیم. همانطور که منشی حضرت شوقی افندی در تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۳۰ از طرف هیکل مبارک خطاب به یکی از احباء مرقوم داشت، "درک محتوای الواح و صایای حضرت مولی‌الوری برای نسل کنونی بسیار مشکل است. کشف کنوز حکمت مکنون در آن نیازمند حداقل یک قرن فعالیت واقعی است..."<sup>(۱)</sup> (دستخط مورخ ۷ دسامبر ۱۹۶۹ خطاب به یکی از احباء، مندرج در Messages from the Universal House of Justice, 1968-1973، صفحات ۴۴-۳۷)